

کارگر

ژببون آزاد مردم زحمتکش

شماره ۱، سال اول، اول فروردین ۱۳۵۹

سرمقاله:

رفراندوم غیردموکراتیک

با

انتخابات آزاد مجلس مؤسسان

هنوز یک ماه از قیام بیوزنه بیمن ماه و سرنگین رژیم سلطنتی اشهداد نگذشته، ما تحت لوای رفراندوم شاهنشاهی پوروش عظیم به «میکراسی و حق حاکمیت مردم از طرف دولت» وقت هشتم - بسیاری بحق مترش هستند که بنا به شرح سؤال «جمهوری اسلامی، آری یا نه؟» حکومت سازندگان حق انتخاب آزادانه مردم را سلب نموده، اعمال و نظریات رهبران راجا گریز آزادانه بود «مردم می‌سازد» یعنی از ۲۵ سال عقلمان امپریالیسم آمریکا و سلطنت وحشی، دولت وقت پیششهادت برقراره می‌را می‌کند که فعلا دست‌های مردم را بسته و از این طریق حق خدشه ناپذیر حاکمیت مردم را با عدولش می‌سازد - پیششهادت گروش دولت وقتست بنسرای رفراندوم غیردموکراتیک است - مخالفت پرمایم این جنبش «مردم میکراتیک» رفراندوم به مسئله بحث روز میان مردم بدل شده است - امروز هر شیروند مبارز، انقلابی‌جات، هر کارگر و زحمتکش از خود سؤال می‌کند که چرا در پیششهادت آزادی با به جلوی مبارز و تصمیم گیری نظریات متفاوت دربار حکومت آمدند؟ ایران گرفته شود؟ چنین روشی، با اصل میکراسی - با کلاب و دندان انقلابی کشور ما از انقلاب سلطه‌ها تا امروز، با منافع اکثریت عظیم مردم در تضاد است - با شایع انقلابی عظیم بیمن ماه که در دست بقید سلطنت

پهلوی، را از جامعه ما کوتاه کرد و با همت ملیونیه و بیگونیای نفر که پس از این قیام در راه ایجاد جامعه نوین ایستادگی می‌کنند - عموین و عظیم ترین انقلاب تاریخ کشور - در سر فتح آزادی - شکست یوغ امپریالیسم جهانی، کسب استقلال و عدالت اجتماعی - جامعه ما درین به دوران تنبیر وحشی و ظر و طب القادگی امپریالیسم و اشهداد پهلوی و کشایش دوران برادر ی، برابری - آزادی و رفراش فستندم (ادامه در صفحه ۱۶)

تجمعات و راهپیمایی زنان:

'ما زنان ایرانیم، در بند نمی‌مانیم'

(صفحه ۱۵)



گزارش فرستاده

(تاریخ) از کردستان

حقایق

مربوط به انقلاب کردستان

حسن تقوی



در بدو ورود به کردستان این احساس به انسان دست می‌دهد که وارد محیسط و منطقه ای جدید به متفاوت با سایر نقاط ایران شده است - لباس های گریزی و استواج و انصاف مسلمان ها که بر دوش انداخته شده و با سلاح های گریزی که از زیر شالیهای گریزی گریزی نمایان است، فقط تفاوت ظاهری از باقی را نشان می‌دهد - ولی تشبیه آنچه که در وری این ظاهر تفاوت بسیار دارد - اگر چند آن مشکلی نیست - انجوس تریسوند ستر که قرار است با در شهر گریز تشبیه بیگان بهاد کند در شهر ملکان توقیف می‌کند - با توسط "کمیته امام" محل مورد بازرسی (ادامه در صفحه ۱۶)

دست‌ها

از

حزب کارگران سوسیالیست

کوتاه

برای آزادی همه احزاب سیاسی

(صفحه ۱۴)



فشار امپریالیسم آمریکا ریشه جنک بین چین و ویتنام است

(صفحه ۱۱)

رفراندوم غیر دموکراتیک یا انتخابات آزاد مجلس مؤسسان

۱. بقیه از صفحه اول

میگردد - این مسیر، مسیر تاریخی حرکت جامعه ما در این عصر بوده است - مملکت و امپریالیسم سد راه این مسیر تاریخی بود.

چهره تاریخ کشور ما در عصر حاضر، بسیار در راه پایان دادن به حکمرانی مطلقه سلطنت و دول استعراکرم و بنیانگذار رییس دموکراتیک بود است - از جنبش تحریم تنباکو تا امروز مردم ما پیوسته بخاطر کسب حق مردم برای تصمیم گیری برپایین سرنوشت خود مبارزه کرده اند - هم از پیوسته که حزب کارگران سوسیالیست پیشنهاد مرکزی تشکیل گیری مجلس مؤسسان را برای تعیین رژیم حکومتی در ایران عرضه کرده است - مجلسی که از طریق آرای مردمی مستقیم، حضوری و مخفی انتخاب شده و در آن نمایندگان منتخب مردم تنها در مسائل ملکی را مورد بحث قرار داده تصمیم گیری کند.

رفراندوم پیشنهادی دولت موقت، در بهار آزادی می خواهد حق بحث همه جانبه، آزاد و تصمیم گیری و انتخاب نمایندگان مردم، شرکت گنیه نظریات و گروه های سیاسی را در تعیین سرنوشت مملکت و ایجاد حکومتی نوین، لغو کند.

برای ۷۰ سال - از انقلاب مشروطه تا امروز ما شاهد ده ها حکومت بوده ایم - حکومت هایی که به تدریج و گسسته منحل شده اند و حکومت هایی که به حمایت از اید و آسسال و خواست های مردم ظاهر کردند - اما هیچ کدام از این حکومت ها نتوانسته، قوی پایتخت و پایدار در راه حل مسائل اساسی ایران برآیند - امروز که جنگ سلطنت پهلوی، کابین اتحاد ارتجاع داخلی و خارجی را جامعه ما قطع شده، مردم ما حقایق تاریخی خود را در نظر دارند.

اگر حکومت های ارتجاعی دست نشانده پهلوی را بکار بگذاریم، فهم دلایل عدم موفقیت حکومت های ملی و مردمی و نتایج نیست.

چهره کلان همه این حکومت ها برای مردم زمختگی همواره این بوده است - آزادی بیان و عدم حصری دارد، حد و مرز دموکراسی را با تعیین نمی کند - برای دفاع از صلح زندگی و حکومتی که به مسائل قانون و قانون گذاری را به شخصیت و گذار کند، شما هنوز برای دموکراسی برای ایصال اراده خود آگاهی ندارید - حصول آزادی و بشریت در ایران نیازمند تامل است - کمتر توضیح آزادی داشته باشید - کمتر خبر میداد - به در آمد کمتر نگاه کنید، گرامی رو بخرید قیمت ها را تحمل کنید - تا ایران پیشروی کند - حقوق خود را در رابطه با زندگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی فراموش کنید.

اما قیام انقلابی نشان داده است که کلیه حل مسائل ایران در دست های خود مردم است - نیروی حل این مسائل - دفع کامل نفوذ امپریالیسم - کسب آزادی، استقلال و بشریت مردم به دست مردم محرم و زمختگی ایران است - اگر اعتراض های سراسری کلیه کارگران و کارکنان کشور امپراطوری اختتامی را برپا کرد، همبستگی مردم و سازمان ها بوجود آید، اگر نظریات، راهبندی ها و اعتراض ها این پیشروی ایجاد انگیز تاریخ کشور را بوجود آید - شما همین قدرت مردم است که نتواند حاکمیت مردم و دموکراسی در ایران را تعیین و محافظت کند - رفراندوم غیر دموکراتیک پیشنهادی از طرف دولت موقت استقرار حاکمیت مردم در ایران را نمی کند -

از طریق این رفراندوم غیر دموکراتیک، دولت موقت تشکیل مجلس مؤسسان امیل را نیز از قیل طور می کند - هم اکنون قول و قرارهای پیشین را بر سر تشکیل مجلس مؤسسان

حزب از نمایندگان منتخب مردم از طرف حکومت موقت بکسر به دست فراموشی سپرده شده است - امروز روشن است که حکومت آقای بازرگان اگر اصولاً قصد برگزاری انتخابات مجلس مؤسسان را داشته باشد، می خواهد مجلس مؤسسانی برگزار کند که صرفاً یک مجلس مشورتی است - مجلسی نیست که در آن نمایندگان منتخب مردم بخاطر طایف مسائل اساسی کشور را به بحث بگذارند و در مقابل انتظار همه مردم راه حل های خود را پیشنهاد کرده است به اجرای آن بزنند - بلکه صرفاً مجلسی خواهد بود که بر قانون اساسی که جعبی نغمه و برگزیده در پشت سر مردم تهیه و تدوین کرده اند، مبرر تعویب خواهد گوید.

بجای تشکیل یک مجلس مؤسسان واقعی که نماینده اراده مردم باشد - حکومت آقای بازرگان قصد دارد بسا برگزاری یک فرزندخواندگی ناشی سوره جبران را هم آورده مردم انقلابی را از خود سیادت ابراج کند - رسالت آنان را خانه باخته اعلام نموده - حق آنان را بر مشارکت در اراده اسود و اعمال اراده شان خارج کند.

جمهوری اسلامی آری یا نه! این وظیفه مردم نیست که در مقابل سؤال خود ملاحظه بهیبت حاکم پاسخ عرضه کنند - این وظیفه دولت است که برای مردم توضیح دهد جمهوری اسلامی چیست و بسواری کارگران - زمینگان - طبقه های ستم دیده - زنان و همسر مردم چه معنایی خواهد داشت - وظیفه حکومت موقت کنونی است که نه فقط دیدگاه های خود را بیان کند بلکه مجلسی دموکراتیک، ماری از عقان و سانسور در کل جامعه ایجاد کند تا دیدگاه های مردمی سیاسی دیگر بتوانند در آزادترین شرایط امکان عرضه نمایند - تا هم مردم بتوانند به آزادترین نحو به کلیه عقاید و برنامه های سیاسی مدرنی داشته، بنا به علاقه خود تصمیم بگیرند - تنها از این طریق است که اصل حاکمیت مردم ظهوری واقعی پیدا می کند و در فرآیند دموکراسی لفاظی موم فریبده پیش نیست - عملکرد حکومت آقای بازرگان در دست خلاف این جهت بوده است - چگونه مردم می توانند آزادانه انتخاب کنند و تصمیم بگیرند وقتی

در باره و در طولین - این حد و مرزین مسائل ارتباطی جمعی سانسور به ستم بدترین وجه اعمال می شود و بجای اینکه این وسائل همس در اختیار روشنگری سیاسی گذاشته شوند و در خدمت مبارزات اجتماعی درآیند به گانین تحریف و انحرافات و مبارزات کرده ها و زنان تبدیل گشته اند - وقتی:

احزاب سیاسی که در دوران ابتدای سیه پهلوی غیر قانونی شده اند و حق بخش و نظریات در آن آزاد طلسم شده هنوز تحت حکومت آقای بازرگان غیر قانونی شده اند - به درخواست های آنان برای اعلام موجودیت قانونی شدن ترتیب اثر داده نمی شود - وقتی:

بخاطر نفوذ لبرالی که زبان به انتقاد از حکومت آقای بازرگان کشود مانده یا باز نرسد و توطئه میچیه می شود - کافس است گفته شود که در طی ده روز اخیر فوئندگان نشریه کارگر در باره بازداشت شده اند - چنین تخلفاتی در مسوره سایر نظریات و عقاید نیز تکرار برده می شود - وقتی:

حکومت احزاب سیاسی تحریف گشته - نظریات و جمعیت صلح آمیز و آرام زنان مبارز با گوئی از ادیان همس میروند و حتی یکی از مسین آن شناسایی و دستگیر نمی گردد - وقتی:

روزنامه اولدوز زبان ترکی سخر می گردد و کتاب کارگر

به پیش توفیق ازین نمره ها که همه حکایت از نقش دموکراسی در سراسر جامعه می کنند - فراوان می توان شاهد مثال آورد - در چنین شرایطی برگزاری رفراندوم - جمهوری اسلامی آری یا نه! تنها می تواند بعنوان حله ای دیگر به حقوق دموکراتیک تلقی گردد -

این حق کارگر و زمینکش است که به بداند چه چیزی اسلامی برای او چه معنایی خواهد داشت -

این حق زارع و کشاورز است که از محتوای چلیبسن جمهوری باخبر گردد -

زنان حق دارند بدانند زندگی ستم چنین جمهوری چگونه خواهد بود -

کرده ها باید بدانند که با جمهوری اسلامی یا بدون جمهوری اسلامی حق تعیین سرنوشت بدست خود آسان سپرده خواهد شد و یا غیر - همه بخاطر برادران و خواهران آذربایجانی - بلخ - عرب و ترکمن -

نه فقط این حیل مسوم مردم است که نه با لفظ جمهوری اسلامی بلکه با محتوای واقعی آن آشنا شوند بلکه نیز حق مردم است که آزادانه با سایر عقاید و برنامه ها آشنا شده - بنا به تفاوت خود تصمیم بگیرند - این حق مردم است که نه فقط امروز بلکه روز پیرامین مسائل اساسی مسوول به خود و کشورشان تصمیم بگیرند و اراده شان را اعمال کنند -

چنین مسمی تنها از طریق تشکیل مجلس مؤسسان واقعی منتخب از طرف خود مردم امکان پذیر است -

هر قدر از آزادی و حقوقی که تا امروز بدست آمده است از طریق مبارزه خود مردم محظوم حاصل شده - امروز هم مبارزه همین مردم و ملت پهلوی تفری در راه خواست های اجتماعی است که می تواند انقلاب حاضر را به پیروزی نهایی برساند -

موت از مردم - کارگران - زمینگان - جوانان - زنان و ملی های ستم دیده - به دست کشیدن از مبارزات سوردن سرنوشت و چشم امید شان به سندی های رای، رای دادن و فرزندخواندگی دموکراتیک - بیرون راندن مسوول از حلقه مبارزه و اختراع در مقابل به ستم خواهی - تخصصی - و برگزیده - انقلاب را به پیش بکشد خواهد راند -

مسئله حکومت نوین - اساسی ترین وظیفه انقلاب حاضر را در بر می گیرد - وظیفه ای که اساساً آینده جامعه ما را تعیین خواهد کرد -

قیام پیروز بیست ماه سلطنت پهلوی را سرنگون کرده - دار و دسته ایستادهای ایران - وافر و بیار و دولتی استبداد و مستشاران آمینکان را جبران کرد - پیروزی تمام مردم همانند زلزله صدمات طبیعی به سازماندهی دولت قدم وارد کرده - شد و ضربات تمام انقلابی - دستگام خونخواهران ستمگین و قدرت بر سرکوبی دولت قدم از گرفت - همان سورت که سرور استبداد ای از جامعه برداشته شد - جنبش های اجتماعی اقتدار و طبقات ستم دیده رو به فراوان گشته -

با سرنگونی سلطنت پهلوی - انقلاب ایران به زبان آمده است - هم اکنون همه ستم دیده گان و مستشاران ستمگین زمینان می آیند و فریاد عصیان علیه - مثال سرور امپریالیسم و استبداد همه جاگرم می شود - اینجست جوهر خواست هایی که امروز از طرف کارگران - روستائیان - زنان - ملیت های ستم دیده - سربازان - جوانان و دانشجویان - در سراسر جامعه طنین انداز می شود -

طبقه کارگر ایران امروز می داند که نقش اساسی و قاطع را در سرنگونی سیادت سلطنت پهلوی ایفا کرده است - مبارزات کارگران این طبقه را در سطح جامعه همیشه نشان داده است - کارگران و زمینگان کشور را می سازند و پایه کشور را

اندازه بر می کنند - بجای شرایط وحشتناک سطره پهلوی - امروز کارگران خواستار ایجاد به سراسری کارگران هستند - کنترل بر تولید - حقوق بیشتر - مسکن و رفاه و کسب های کارگران را طلب می کنند - از این طریق جامعه نوپسند - جامعه ای که بدست کارگران و زمینگان اداره می شود -

جامعه ای سراسر دموکراتیک جیره خود را آشکار می کند - (بقیه در صفحه ۱۲)

کارگر - نیروی آزاد مردم زمینگین سربیر - پایله زهرانی

انضای هیئت نظریه - حسین قفسوی - حسن صبا - آذ طبری - محمد باقری - حمزه کاوسی - علی گلستان - وحید ناصر - حسین تجلی

هفته نامه سوسیالیست کارگر - نیروی آزاد مسوول زمینگین - نشریه ای است که به تحلیل و تفسیر و گزارش واقعی انحصاری یافته که به ویژه مورد توجه جنبش های کارگران - روستائیان - جوانان و دانشجویان - زمینگان و ملیت های ستم دیده است - نشریه آساند مختلف تاریخی چاپ توجه - لفظی آزاد بیات سوسیالیسم انقلابی را نیز ارائه می کند -

مقالات با اشعار نظریات زمینگان را ارائه می کند و ازین طریق با کارگر میبندد - خلاصه - بدین اهدا - بر برنامه مارکسیسم انقلابی استوار هستند

در این شماره:

- ۱ سر مقاله - رفراندوم غیر دموکراتیک یا انتخابات آزاد مجلس مؤسسان
- ۲ حقایق انقلاب کرهستان
- ۳ چشم انداز مبارزات کارگران راه آهن
- ۴ کارگران جنرال مونیوز - دیگر حاضر نیستیم برده کارفرما باشیم
- ۵ سربازان کینه های خود را بسازید
- ۶ صاحب با شیخ مراد بن حبیبی
- ۷ اعتراض به توطئه "اولدوز"
- ۸ در باره نس و نیونگی
- ۹ فشار امپریالیسم آمریکا بر ستم شکن چین و ویتنام است
- ۱۰ مملکت امپریالیسم آمریکا در باره ایران چه میگوید
- ۱۱ احزاب ایران برای خواست های خود چیا میگویند
- ۱۲ ترکمن ها برای حقوق خود مبارزه می کنند
- ۱۳ دست ها از حزب کارگران سوسیالیست کوتاه
- ۱۴ تصمیمات و راه پیمایی زنان - ما زنان آزادیست - در بند نمی مانیم
- ۱۵ طبقه حاکمانه و غیرانسانی برای ستم گران کارگران ایران

چشم انداز مبارزات کارگران راه آهن

رحمد ناصر

بعد از پیروزی قیام دوم ماه، عظیم تهرن تمام افغانی ها خواهمانه، در سراسر کشور کارگران و زحمتکاران در شرایطی خوب و با روحیه ای طرفین با کلیه مسائل کنونی مواجه هستند. همه می‌دانند که سرنوشت شلخت پولی و خود ممکن کرده اند. همه می‌دانند که با سرنوشت کانون قدرت امپریالیسم در ایران و افکانات جهانی جامعه، امکانات زندگی بیشتر برای کارگران و زحمتکاران به دست آمده است.

این یک حقیقت مسلم است که بعد از مبارزات شهریارانه کارگران ایران، اشتداد ۵۰ ساله سرنگون نشد. بیش از یکصد روز اعتصابات افغانی کارگران، این حقیقت را منتهی کرده است. بهین ترتیب، حالا که سلطنت سرنگون شده، حصول آزادی، فراوانی و استقلال، تجدید سازمان دادن جامعه بر اساسی افغانی، بدون مبارزه کارگران و زحمتکاران امکان پذیر نخواهد بود.

آنچه امروز در دوائر و مراکز کارگران راه آهن سراسری کشور می‌گذرد، حالتی از این واقعیت است. نسبت به مبارزات زندگی اقتصادی کنونی به جهان می‌ماند. اعتصابات افغانی کارگران راه آهن کنونی عظیم از جنبه اعتصابات افغانی کارگران و زحمتکاران تا تشکیل بداد با پیروزی قیام، کارگران و همپنظر کارمندان راه آهن، در شرایطی جدید دیگر نهاده سازمان دادن به این بخش مهم از چرخه های اقتصادی کشور هستند. کارهای ها و تضاد شغل کارهایی که امروز کارگران راه آهن مبره دارند، مطلقا است که مبره توجه کشته کارگران و زحمتکاران در سراسر کشور است. پیروزی قیام دوم ماه نشان داد که کارگر و زحمتکاران قدرت واقعی جامعه را تا تشکیل می‌دهند. این پیروزی نشان داد که زندگی ایران با حاکمیت کارگر و زحمتکاران می‌تواند. این پیروزی نشان داد که کارگر و زحمتکاران این کشور را هر روز می‌سازند و به سوی راه داری کارایی و ایجابی می‌دهند. از طریق تخریبات خود، امروز جنبه کارگر و زحمتکاران به این حقیقت پیوسته است. در بسیار آزادی، در این کارگران و زحمتکاران در این جامعه دارد شکوه می‌دهد. حقوق امپریالیستی در رفاه کارگران و زحمتکاران دارد پیشه می‌دهد.

کشته اعتصابات کارگران راه آهن، فعالیتها و همه نه‌های این کشته که اعتقاد کشته آسرا مرکز قدرت امپریالیستی کارگران و زحمتکاران می‌باشد، مسائلی را که امروز کارگران راه آهن با آن مواجه هستند روشن می‌کند.

شده و با تجدید و تطبیق هم کرده اند آنها را بر سراسر بگردد اند. ولی کشته بسویج و هتوزانه عمل کرد و به این کاربندانه‌ها در داد که صلاح آنها نیست بر خلاف اراده اکیت زحمتکاران و کارگران راه آهن اقدام کنند. و به این ترتیب توطئه بدبران در هم شکست. با ادامه اعتصاب مدبران و کارمندان سبقت‌بسته نشینی کردند و کلیه خواسته های اعتصاب را قبول کردند. چیزی رسمی سرنگون کارگران و کاربندان غیر رسمی که آنهم نایب یگری کشته و ساجدت کارگران امپریالیستی شد. به علاوه کشته سوظ کشته کارمندان را محصور به برداشته حقوق و مزایای کارگران در تمام مدت اعتصاب بکشد و اعتصاب بگیرد.

کارگران راه آهن به اعتصاب می‌جای دست می‌زنند

۱۵ روز بعد کشته اعتصاب را محصوره سازمان داده اند. اینبار اعتصاب در اعتراض به تصمیم مدیریت راه آهن در بریدن تعدادی سرمایه به تصدیق سوظ راه آهن که مورد اعتراض شدند کارگران قرار گرفت و برای جلوگیری از آن اعتصاب سازمان داده شد. این اعتصاب مملو از جوهر و خروش افغانی بود. خواسته های آن مبارزه بود از سرنوشت رسمی و ششماهی از کلیه خواسته های سیاسی کارگران نقد.

این اعتصاب ۵۰ روز ادامه داشت و اعتراضات خانه یانته در مورد این اعتصاب هم قبیل از قیام دوم ماه کنونی برای شکست اعتصاب و خاتمه دادن به آن. اینبار از طرفت مهندس بازرگان صورت گرفت که آتم با مبارزه و هتوزاری اعتصاب کشته اعتصاب دفع شد. خبری از این قرار بود که کشته ای که کشته رهبری مهندس بازرگان به جنوب امپریالیست تا به اعتصاب کارگران، جنبه خانه دهد بعد از جنوب به راه آهن رفته و از کارگران خواسته بدست کارمندان که فدان امکانات حمل و نقل در مواد نفتی و غذائی ایجاد کرده به اعتصاب خانه دهند و حتی دستخط مراجع قضایی سراسر اول را هم آورده بودند که واجب است به اعتصاب خانه داد. ولی کشته با هتوزاری متذکرند که اکنون که خبر خود تا همه جا می‌رسد، راه آهن می‌تواند مسعود استفاده شد افغانی ارتش قرار گیرد. و به همین دلیل شکست اعتصاب در این شرایط صلاح نیست.

نماینده کارگران راه آهن چه می‌گویند

از کشته در باره برنامه هایمان محصوره از با بان اعتصاب می‌رویم. توضیح می‌دهند. اولین برنامه ما سازمان دادن کارگران در راه آهن بود، با اینکار نشان دادیم که ما فقط در سازمان دادن اعتصاب و مبارزه مبارزات تدابیر کشته گردانیم کارها هم تحت کنترل ما خلی پیروز از کشته کنترل مدبران رسمی انجام می‌گیرد. ما کارمندان می‌خواهیم، مواد اولیه و مواد لازم به خاطر مختلف کشور را در عرض خود، بین سازمان دادیم و به سازمان رسانیم. همین کار تحت کنترل مطلقه مبارزه داشتی و مدبران رسمی می‌توانستند به تمام مایل بکنند. مسئله دیگر مسئله کنترل سرنوشت اعتصابات جدید است. مدبر کل سابق آگاهی بدی می‌پوشید برای ما قابل قبول نبود. کارگران پیروز کردند و اگر دخالت ما نبود کار بدست می‌گرفت. بجای از وزیر امور باحال چند گانه بد داده است که مود قبول نبوده. اکنون گاند بد که قبول شده آگاهی خوبی بوده ولی به او اختصار داده ایم خیال موجود آوردن و درباره اولیای سابق را از سر برداشته و گرفته او هم باید بود. مسئله دیگر مسئله آگاهی ما به کارگران است. می‌باید ما همه نمایندگان کارگران

عظیم ولی همه از کارگران و کارمندان مبره می‌ماند. و این از کارگانی کشته سناهند. البته این مسئله که کارگران نمایندگان خود را نمایندند انتخاب کنند در گذشته از آگاهی سیاسی به مسئله می‌گردد. در محیط کار هم مربوط می‌شود. بسیاری از نمایندگان کشته از محیط کار خود بیخود آورده اند. گله دارند. اینبار در واقع با برچسب هائی از تبلیغات "کمیونسیت"، "عامل اجنبی"، و از این قبیل جلوی فعالیت هر کسی که می‌خواهد در راه شکست سلطنت و مبارزات مستقل طبقه کارگر قدم بردارد. با در جهت بالا بردن آگاهی طبقاتی آنها و روشن کردن اختلافات طایفه طبقاتی آنها با سرمایه داران سازمان کندی می‌کنند. در چنین محیطی کشته سنده نهاده ای از مبارزین کارگر امکان فعالیت آزادانه و ارائه برنامه برای پیشبرد مبارزه را ندارند. ششماهی کارگران هم نمی‌توانند نمایندگان واقعی خود را بشناسند و با آن خیال راحت برنامه رای بدهند.

این مسئله از یک نظر دیگر هم برای کشته اهمیت دارد. و آن لزوم شرکت در انتخابات مجلس مؤسسان و داشتن نمایندگان کارگری در راست است. مثلا با اکنون می‌خواهیم سندیکا تشکیل بدیم. طبق قوانین موجود کارگران دولتی حق اعتصاب و حق سندیکا داشتن ندارند. البته با این قوانین و برمی‌سندت نمی‌توانیم ولی دولت موجود هنوز آنها را رسمی نداده است. هر چه قوانین بیشتر بنفع کارگران باشد بیشتر می‌توانیم سازماندهی کنیم. مبارزه برای قوانین حقوقی کار برای ما یک مسئله مهم است. برای اینکار سندیکای نمایندگان کارگران بداد اصل مجلس مؤسسان می‌باشد. ولی اگر کارگران نمایندگان خود را نمی‌توانند چگونه می‌توانیم اینکار را کنیم. برمی‌سیم در شرایط فعلی که آقای بازرگان بسیاری از احزاب کارگری را غیرقانونی می‌دانند (چون قوانین موجود آنها را غیرقانونی کرده) و چنین کاری چنین اقدامات می‌تواند است. یکی از اعضا کشته معتقد بود کشته قوانین موجود همی باطلند. انقلاب آنها را بزرگانه و برای همه است. احزاب کارگری باید فوراً منحل شوند. برنامه های دیگر کشته عبارتند از تشکیل شورای سراسری و معرفی هیئت انتخابی شورای ای. یعنی اینکه همه مدبران و مسئولان منتخب شور و تحت کنترل شورای کارگران باشند. در راه آهن و در راه آهن است.

مبارزات کارگران راه آهن تا کنین قدمهای عظیمی در شکل کردن این جمعیت زحمتکار برداشته است. مدبران هنوز از محصوره راه آهن دور شده اند. کشته ای از خود کارگران و کارمندان پیروجه آمده است. راه در نظر رساندن ایشیه تلاش افغانی کارگران راه آهن، در رهله اولی اعتصاب کارگران راه آهن بدور کشته موجود است. این اعتداد از طریق مبارزه کشته کارگران راه آهن برای خواسته های کلیه کارگران راه آهن امکان پذیر است. رژیم سابق کارگران راه آهن را از طریق تحلیک دانشمندان دستمزد سنا، تصدیق کرده است. امروز کشته ما مسئله افزایش دستمزد، رفاه و مسکن که بیشتر از کشته خواسته های تمامی تهرن بخشهای کارگران راه آهن را در بر می‌گیرد. ما بخواهیم است. از این طریق اعتداد حمل باید بیشتر کلیه کارگران راه آهن پیروجه می‌آید.

زبان

امروز بکلیت روشن است که هیچ حکومتی با تعیین شده ای برای آزاتان خود را نخواهد آورد. ما باید نمایندگان خود را در محیط کارها، موزکارتیک، و حالیه که حق آزادی می‌باشود تمام گروهها و احزاب مختلف شهری و روستایی انتخاب کرده و مجلس مؤسسان بفرستیم. در این صورت است که نمایندگان مردم ایران

امروز خواسته بوجود آوردن سند بسنگای مبارز کارگران راه آهن، با حمایت بخشی طبقاتی از کارگران راه آهن مواجه است. اما امروز سراسری ایران توسعه ای در پیش است. راه آهن دولت ششماهی به طبقات تهرنست، سرمایه دار و مالدار است. این دلیل است که برنامه های دولتی همواره در گذشته کجنگتنده تهرنسی به مسائل کسب کارگران راه آهن کشیده است. امروز نیز کارگران تهرنست با وده و وید مبارزای پیروز خود را رفع کنند.

با اعتقاد به کارگران راه آهن، کارگران راه آهن و همه ای که برای خواسته هایمان مبارزه کند بوجود می‌آید. بدون سندیکای کارگری، چه در بخش خصوصی و چه در بخش دولتی، کارگر به برده ای بدل می‌شود که باید فقط از مدبران و یا سرمایه داران اطاعت کند.

کارگران راه آهن با مبارزات خود ایمن حقیقت را نشان داده اند. کارگر و زحمتکاران انتخابی به سرمایه دار و مدبر دولتی ندارند. کنترل کارگران راه آهن بر کلیه امور راه آهن تنها طریق است که کارگران راه آهن می‌توانند کار خود را در حد حدنگار جامعه توسعه و فعالیت راه آهن را با مبارزهای جامعه تهرنست کنند.

اما کارگران راه آهن از طریق هیئتگی با کارگران بخشهای دیگر تولیدی می‌توانند به سازمانی مبارزه خود استحکام بخشد. کارگری که سندیکا ندارد، در محیط کار آزادی بیان ندارد. کار خود را مستقیماً از طریق تحت کنترل کارگران نمی‌تواند. طبق قوانین موجود دولتی و یا یک سرمایه دار به کارگر این است که کارگر افریده شد حالت تا زنده بکشد. یک کارمندان آورا می‌توانند کوچکترین سؤال انجام دهد. اما سیستم افغانی، اعتصابات افغانی کارگران نشان داده است که مسائل کارگران مسائل کسبل اجتماعی تهرنست است. کارگران در مورد همه مسائل اجتماعی تهرنست. کارگران به عمل سیاسی وده می‌آید.

امروز کارگران راه آهن نه تنها با ایجاد سندیکای کارگران راه آهن، با ایجاد محیط آزاد، آزادی بیان و تبعیض در راه آهن پیروجه هستند. بلکه کلیه مسائل کنونی نیز در اعتداد شعار شعار کارگران راه آهن با مسائل حاکمیت تهرنست هم را به همه نشان می‌دهند. با سرنوشتی مردم به پیشی، امروز ایران با پیروجه آوردن همه به پیروجه است. کارگران با سرمایه داری شکل شدن در دولتی از مالا تعیین شده است. راه کارگران راه آهن مثل دیگر زحمتکاران مبارزه برای گسترش کشته کارگران، ایجاد سندیکا، موزکارتیک و محیط کار، اعتداد شعار شعار مجلس مؤسسان و هدایت کردن کل مبارزات مردم است.

کارگران راه آهن که همیشه خط اعتصابی کشور را اداره کرده اند، امروز با وظیفه حرکت دادن و هدایت تهرن انقلاب ایران مواجه هستند. در حرکت دادن همه کسب انقلاب ایران، کارگران راه آهن همگی کشته کارگران و زحمتکاران را بخود جلب خواهند کرد. راه حرکت این تهرن مبارزه پیگری برای موزکارتیک، برای کشته های کارگری، سندیکای کارگری، و انتخابات سنا، نوری مجلس مؤسسان، یعنی استقرار حاکمیت واقعی مردم است.

نه تنها شکل حکومت را تعیین خواهند کرد، بلکه هر خط و منظر قوانین جدیدی ملگستی بدست آنها نوشته شده و بر او بر چشم ما تعویب خواهد گشت. تنها از طریق انتخاب نمایندگان مؤسسان و مجلس مؤسسان است که ما زبان می‌توانیم مطمئن باشیم که نه ای از خواسته های سیاسی جواب نخواهد دادند و منطلم چه بد. مساوات و آزادی این تعیین خواهد شد.

کارگران جنرال موتورز: دیگر حاضر نیستیم برده کارفرما باشیم

برین سخن

جلمانی برگزار شود ولی تا بحال تسویز اسلامی برای خوشی نسبت به تشکیل چنین جلساتی نشان نداده است.

دعوات مبوران گفته امام در انتخابات جنرال موتورز نبوده است. در بسیاری از کارخانه های ایران و شهرستان های استان کارگران را از انتخابات باجانبان دعوت کرده اند. تسویز نمایندگان خود محرم کرده اند. تسویز نمایندگان را مجبور کرده اند که بجای اینکه تنبیها و جوایز خود کارگران باشد تحت نظر نمایندگان آنها بوده تعدادی قرار گیرد.

خواهران و برادران کارگر، شما با انتخاباتی که در این روزها در حال وقوع است، در این کشور با تشکیل نموده و هر مشروع معده در دست خلیفه دیوکراسی در نمایشگاه کارگران و یا سعی در تخریب آنها، البته تخریب تخریب نفس دیوکراسی در کل جامعه است.

جلسه به حقوقی دستکاری کارگران اکنون در کلیه کارخانه ها آغاز شده است و نیز به گسترش می یابد. فقط ندرت بود ای وحدت کارگران در سازمان کشور است که می توانست جوابگوی این گونه حیلالت کرده. این خود نیاز به سازمان های توده ای کارگری سازمانی در برای حفظ و توسعه کارگران و مطالب رگسترش این دستاورد ها. طرح می سازد که باستی در هر کارخانه در دستور کار قرار گیرد.

موتورز را تشکیل می دهند. و در این جلسه اعلام شد که فقط انقلابی هانی که مهر این کشور بر آن خورده باشد حق پیشروی این کارخانه را دارد.

از مردم انتخاب. تسویز دولت اسلامی باید که در راه تأمین منابع کارگران برنده است. در عوض به بهانه اینکه در مورد عقد خود ویژه و دیگر مسائل اطلاع ندارد، بسا رضوانی رئیس سندنگای فوایش سابق، که کارگران او را حواشی دانسته و دستگیر کرده بودند. همکاری می کند. سازمان کارگران از این همکاری با رضوانی بسیار ناراضی و خصمانه هستند و میگویند اساس رضوانی و سایر دستگیرندگان به چه حقی درباره به کارخانه راه داده شده اند. در داخل تسویز اسلامی هم به ای مخالف همکاری با رضوانی و سندنگای فوایش سابق هستند.

برای بررسی مسئله کارگران اعتراضی از بین تسویز اسلامی یک کمیته در تفرقه تشکیل شده است. این دو نفر میگویند که تسویز بازگرداندن این اعتراضی ها، مشغول به آنگونه با به برپا می کنند. ولی تقلا به بهانه اینکه در برپا می دهند موافقت کرده اند. تسویز کارگران اعتراضی به کارخانه جلوگیری می کنند. در این مورد هم کارگران بسیار ناراحت و خصمانه هستند و میگویند رضوانی و سندنگای فوایش سابق، تسویز و دستگیری کسانی که این همه سال اسفند و به کارگران ظلم کرده اند. آزاد شده اند و درباره به سایر کارگران باز گرفته اند. تسویز برسد.

اساسی با وجود کارگران اعتراضی به کارخانه مخالفت می شود. گروه هم درست شده. ۵ پاک کمیته ۶ گروه هم درست شده. ۵ کارمند و پیشکارگر که رسیدگی به امور سندنگای فوایش سابق، نظارت بر امور تسویز اداری، شرکت تعاونی نقد سود ویژه را به عهده دارد.

اکنون پیش از هر زمانه و بگری کارگران احساس می کنند که احتیاج به تشکیل جلساتی دارند که در طی آن بتوانند آزاده آزاد مطالب خود را بچند کرده و خطه نظریات خود را برای تسویز اسلامی شرح کنند. با وجود اینکه قبلا تصمیم گرفته شده بود چنین

کارگران پیشنهاد کردند که انتخاباتی جدید برگزار شود و کارگران و نمایندگان هر کدام به نسبت تعداد خود نامینده داشته باشند. تنها چنین تسویزی می تواند نمایندده همه کارگران باشد و از جانب همه صحبت کند. پس از بحث نسبتاً کوتاهی در انتخابات جدیدی برگزار شد و می توانستی فعلی تصحیح شد.

موضوع مهم دیگری که بحث شد، مسئله کارگران اعتراضی بود. بازگرداندن کارگران اعتراضی به سرکار یکی از وظایف محوله به تسویز نمایندگان جدید بود. کارگران در کارخانه را به روی رضوانی اعتراضی به سرکار کردند و آنها به سرکار خود بازگشتند و اعلام شد که در بدین موطنه است حقوق و تسویزهای کارگران را بریزند و اگر نه بسا اعتراضی کمیته کارگران برپو خواهد شد.

مسئله دیگری که برای تصمیم گیری در این مجمع به بحث گذاشته شد، همکاری و همساز شدن از بدین زمان این کارخانه با ساواک بود که در طی سالهای گذشته ظلم و تعدی فراوان به کارگران روا داشته و باعث دستگیری و زندانی شدن تعداد زیادی از کارگران میزبان شده اند. کمیته از اساس این قبیل انتصاح از جمله سرنگی اشراقی رئیس امور اداری، بهورامیان معاون وی و رضوانی رئیس سندنگای فوایش سابق، خود را به کارگران یکپارچه تصمیم گرفتند که این افراد باید دستگیر شوند و به کیفر اعدام شوند.

در پایان جلسه تصمیم گرفته شد که از این پس جلسات جمعی موسی کارگران بطور مرتب برگزار شود تا کارگران کارمندان بتوانند در مورد همه مسائل ملکی و مسائل کارخانه آگاه باشند و با وجود مشاوره با یکدیگر در مورد مسائل مختلف مواضع و نقطه نظرات خود را اعلام کنند، و اگر ظلم و انجافی به حق کارگران در هر سطحی یا شود، بتوانند مجلس ملکی متحدی نشان دهند.

روز بعد، یکشنبه ۱۱ بهمن، جلسه کارگران در برپا می شد که با ساواک همکاری می کردند دستگیر کرده و تحویل کمیته اسامی دادند. اما کمیته در ای از دستگیرندگان را همان شب بقیه را بجز سرنگ اشراقی روز بعد آزاد کرد و به سرکار خود بشار کرده اند.

در ۲۸ بهمن ماه کارگران کارخانه جنرال موتورز، مثل سایر کارگران و کارمندان ایران پس از ماهها انقباض و تعطیلی کارخانه، به سرکار بازگشتند. البته این انقباض اخیر تنها انقباض کارگران این کارخانه نبوده است. در ۲۸ بهمن برای کارخانه در سال ۱۳۵۲ کارگران برای بهبودی بخشیدن به شرایط قابل تحمل اقتصادی و حقوق خود در سرکار مبارزه کرده بودند. ولی هر اعتراضی از طرف کارگران در آن سالهای سابقا احتیاج با جانیان ساواک رویو می شد و کارگزارانی که در این اعتراضات پیغام شده بودند، به سبب سوءحالیهای ساواک بیهوده می شدند. این چنین بود که کارگران جنرال موتورز مثل سایر زندانیان ایران در می یافتند که ظلم و ستمی که از طرف ساواک و مدبران کارخانه چنانچه بیا می شود بخشی از بلای آن سالها سابقا احتیاج و محتاج ایران است و مبارزه کارگران برای بهبودی شرایط خود بیرون ناگفتنی بنا مبارزه تمام مردم ایران علیه رژیم شاهنشاهی است.

از این رو با تشدد به مبارزه می پردازند. این مبارزه برای براندختن سلطنت پهلوی و کارگران جنرال موتورز هم یکپارچه و یکجمله است. به این مبارزه پیوستند. کارگران امید داشتند که با پیوستن انقلاب از صاحبان این کارخانه (جنرال موتورز) بنماید پهلوی و سرنگند. این کارگران جنرال موتورز که صاحب ۶۵ درصد از سهام این کارخانه است، اگر همیشه حامی و طرفدار رژیم سلطنت بوده اند، خلق شدند و به خود آگاهی مدبران و کارفرمایان که ایدای این ظالمین در کارخانه ها بودند خانه داده اند. در عوض دیوکراسی در کارخانه منتظر نبود و کارگران که با تسویز این خود این کارخانه را بچهره آورده و به راه انداخته اند، بر کارخانه حاکمیت کنند.

کمیته تصمیمات مربوط به کارخانه از قبیل تعطیلی و باز کردن، سطح مزد کارگران، استخدام و اخراج کارگران، سطح تولید، امنیت و تأمین آلات و غیره که زندگی کارگران را تحت الشعاع قرار می دهد، بطور دیوکراسی بوسیله خود کارگران انتخاب نمود. در اولین روز کار، شبیه ۲۸ بهمن ماه کارگران جنرال موتورز که بخاطر ماهها انقباض و تعطیلی کارخانه نتوانست بودند گرد هم آیی و تصمیمی داشته باشند و در مبارزه مسائل مشترکان تفرقه آمیخته صورت

را غنیمت شمرده و جمیع موسی کارکنان را تشکیل دادند. شرکت در این جلسه بسیاری همگان باز بیهوده ای از دانشجویان ملاقات نمودند.

در این جلسه تعداد زیادی از کارگران در مورد انیم کنترل کارگری بر کارخانه صحبت کردند. در واقع این تم اصلی بحث و تبادل نظر در این جلسه بود. کارگران می گفتند بدین که هیچ هدفی سرانجامش نیست. اکنون، بنیاد پهلوی و شرکت امپیکال ندارد نباید دوباره بر جان و مال کارگر صاحب اختیار باشد. کارگزارانی که همیشه در راه بهبودی انقلاب جانفشان کرده اند، نباید دوباره بر دوار در زیر دست این ظالمین استوار شوند و هیچ حق دفاعی نداشته باشند. آغاخانه شد برای اینکه کارگران بتوانند از انقباض خود دفاع کنند و دست این زلزلو-ضغان را از کارخانه کوتاه کنند. احتیاج به شکل و سازماندهی نیروهای خود دارند. باید سده یکا و نیروهای کارگری بوجود آید تا با آنها برخورد و همبستگی تمام کارگران کارخانه. برای دفاع آنها مبارزه کند.

در این رابطه کارگران اعتراضی کردند که با اینکه کارمندان تعدادی از کارکنان را تشکیل می دهند، در تسویز انتخاباتی فعلی دارای اکثریت نمایندگان هستند. چنین تسویزی نمی تواند حامی منابع کارگران باشد. این بعد از آن است که تصمیم شود.

زبان ۰۰۰

(بقیه از صفحه ۱۵)

جمع کنیم و نظاره ها و دهها هزار نفری را به نظاره ها صد ها هزار نفری تبدیل کنیم. باید انگشتان باز را تبدیل به مائه کنیم. باقی است که کسی با نواختن در مقابل خواست بحق ما را بخوابانند. باید همگی خواهران را علیه فرقه بسا با حجاب و بی حجاب متحد کنیم. اگر دیوکراسی سلطنت پهلوی، در مقابل توبه و تائب شدن سلسل با حجاب و بی حجاب دست در دست هم متحد، چگونه بر ما ابروز هم برای احسانی حقوق خود، برای احیای شخصیت با حال شده خون، برای کسب آزادی و مساوات، بی حجاب و شرم، دست در دست هم با حجاب و بی حجاب می جنگیم. اگر امروز زنان اولین گروه اند سندهندگان ایران هستند که علیه اجحافات و کوششهای دیوکراسی آقایان برای محسود کردن دیگران در جامعه با عا هستند. این نشانگر ایست که زنان، این محرم ترین نیمه جامعه، خود از هر جنبی دیگر جامعه از ستم و نقی خود را از انقلاب آگاه گشته، قبل از هر بخش دیگر جامعه به رسالت خود در حفظ و گسترش ستاورد های انقلاب پی برده اند. مبارزه زنان مبارز راه را با تمام سده بگان ایران نشان می دهد. نشان می دهد که نباید منظر هیچ ناچی نداشت. نباید به سده معای هیچ کوشش در لغزش کرد و با سبب برای آزادی و رفاهی از زیر ستم در برده ها را بلند کرد.

جلسات و میتینگ ها و تظاهرات برای کسب حقوق حقه زنان جلب کنیم. باید همگی به برادران خود گفتیم که حقه به حقوق زنان سرگذاز حمله به آزادی در کسب جامعه است. ما باید کلیه کارگران را از این حقل مطلع کنیم. ما باید همه جامعه را در پی حقیقت مبارزه آزاد بخواری زبان تعلیم دهیم. جامعه را باید به آزادی بخواری و سندهندگان جامعه را به حمایت از حقوق مساوی برای زنان جلب کنیم.

قدرت ما در تعداد نفرت ما است. قدرت ما در خواست های بحق ما است. قدرت ما در آزادی ما برای کسب حقوق زنان در این جامعه است. قدرت ما در اتحاد ما است. تخمین ۴ هزار نفری در دیوکراسی، تظاهرات ۲۰ هزار نفری در دیوکراسی، اسفند و دهها تظاهرات و تجمعات دیگر نشان داده است که توده عظیم زنان بسیاری در قاع حقوق خود خود آماده هر گونه جانفشانگی و از خود گذشتگی هستند. اسفا بخاطر عدم شکل مبارزه، بخاطر پراگنده بودن برخی از تظاهرات، دستجات انسانی فریب داده گردیدند به سبب و جرح بسیاری از خواهران برادران. باید مبارزه را سازمان دهیم. باید صفوف خود را فشرده کنیم. باید برای هر جلسه و تظاهرات تعداد کم کنیم. باید همه جریا را

همین روز، پیروز خواهران سلطنت پهلوسوی...
ممنوعی که پیروز سوزینه برای سالیان دراز...
سطح امپریالیست های خارجی بر مردم ایران...
بسیار شده بود - بزرگترین پیروزی است که...
نقلا ایران تاکنون بدان دست یافته است...
برای آمریکا برای حفظ منافعش در ایران...
رتن شاه را متلاطم کرد - مستشاران آمریکایی...
بسیارهای منحوس ایرانی را در رأس آن...
راز داد و بد بیوسله چنان فراهم آورد تا...
و مغز هرک فکر آزادی و دموکراسی و بهائی...
زند و بند سلسله تنگین نهاد - شکنجه و...
مبارزان بهتر از هر کسی دیگر از صهیون ارتش...
کامیاب و از نژاد اصلی که شاه و سربده ارتش...
هم از امیدوار بودند - حتی این ارتش برای...
فریب مردم ایران و حتی مردم آزاد پشوا...
خبرهای مجاری مانده قطار بازی شود مطلع...
شد -

سربازان را از دهه و شهر از گنبد...
خواهران و برادران زحمتکش و مستند به خود...
مخ آفرینی کردند - به سپاهخانه ها و پادگان...
بای مختلف فرستاده - تیمساران فاسد و...
فانی ایرانی و مستشاران آمریکایی را برادر...
چنان شما مسلط کردند تا بیاطلاطم...
مکتبی و جبهایی خود را از گزند مردم ایران...
مفلوخت بگرداند - شما سربازان خوب منو...
تمام تبلیغات سلطنت در مورد اینکه ارتش...
مخاطب سرحود است امنیت کشور است و روسی...
بر این سوزید - ارتش نجات ایران شاه هیچ چیز...
بر از صهیون از برای حفاظت از منافع آمریکا...
ت و مطلقا صاحب مال ایران و سرزمین...
برادران و خواهران زحمتکش و مستند به شما...
بود -

سربازی از شما - از همان موقعی که...
برادران و خواهران را در پیروان از پادگانها...
سپاهخانه ها - جرم غیاب زنده گنسی...
کند بر تخت زیم شاه و امپریالیسم آمریکا را...
کند کردند - به نفس واقعی ارتش آگس...
به - لکن فرماندهان شما - از شاه گرفته...
انسان سپاهخانه ها گاد به زور سوزینه و...
و بیست فیضی نمودند - شما را از مردم...
مخاطب - آنان را دشمن شما و...
مکتب معرفی کردند - دست شما را به خستون...
و امثال اینها سوزید -

همان فرماندهان - تیمسارها و ده ولد...
بای سابق بودند که شما را در مقابل برادران...
خواهران زحمتکش و مظلومان قرار داده و...
مستشاران را به خون مردم آلود کردند - لکن...
و وقتی مقصد امپریا و دولت بود - وانی...
همه به که این فرماندهان برای حفظ منافع...
کلیت ها و ایمان و اشراف ایرانی و...
و کانی شما را به جنگ مردم خود مستشار...
فرستاد - وقتی شدید به گنبد خواهران...
برادران را در پیروان از سپاهخانه دست...
مردم بطرف شما و راز کرده اند و شاه و...
مانده های شما - یعنی همان کانی و گنبد...
که داشته سخن امپریا از سینه شما بلند...
و لعن و نفرین می کند - وقتی دستم...
این مردم بجم هستند به هر فیض شده...
مسلط این سلطنت را بجم بیزید و آزادی را...
چنگ آورده - وانی فهمیده که همین مردم...
مجاهدان جوش آتشی که فرماندهان شما...
بی سربازان گنبد میوه کرده اند از شما...
مخاطب خواهند کرد و شما را تنها نخواهند...
داشت - آید شما را بزم مردم راز سوز...
گناه ها و ریادگان با بلند کرده -

آگاه ترین و نه اکثرین مجاهدان شما...
سخت همواران - بیامیز کردند - مردم انقلابی...
مسلط دادند - جرم قیام را از سپاهخانه به...
مباران آوردند و به پاری هنگی شما و کانی...
ست بیوسله کارگران و زحمتکشان این ملت...
م نقشه های خونخوار و جنون شاه رهبری...
م و نبراهای فاسد و آدمکش ارتش شاه...
مستشاران آمریکایی آنرا نقش بر آب کرده...
سلطنت منحوس بیثبوتی را درهم...
بودند -
آنکه که انقلاب ایران - با این دستیار...
که قدم به جاده کس پیروزی های هر سه...
رانش در راه آزادی ایران و ریشه کن کردن

سربازان کمیته های خود را بسازید!



سلطنت خلق و طب افنادگی و زندگی تحت یسار...
گذشته که داشته است - نقش شما در ایس...
انقلاب هیچ وجه پایان نیافته است -
شما چنین واقف هستید که فرماندهان...
هایرتبه سابق شما - همان سوزیدان...
فرستادن از ایمان اشراف - همان که گفته...
هایی که از آمریکا سیر میگردند و شما را...
به جنگ مردم خودتان یعنی کارگران...
و دهقان و زحمتکشان میفرستادند - هیچ...
گفته منابع و اشل مشترکی با شما نداشتند -
انها و امثال آنها در این اجتماع همبند...
گروه اند که بر زندگی و جان و مال زحمتکشان...
و طبقات محبور مسلط باشند - دستور بدهند...
و از طریق سربزه اکثریت بطرف مردم را بخاطر...
حفظ منافع خودشان و ادامه چارواک و مستشار...
زحمتکشان را بر ضد نگه دارند - ولی انقلاب...
عظیم ایران که سلطنت شاه را در برده...
نموده - برجه را بر طبقات صاحب مال دست...
کرده است - اینجا چنین میبیند که سوزید...
مهربان ایران دیگر از تیره ناکت هسا و...
مسلط های آنان و حتی ندارند - چنین...
میبیند که شما سربازان را دیگر نمیخوانند...
مسلط بدست جلوی مردم فرستاده - از جرم از...
در مدبری وارد شده اند - سعی فریب دادن...
شما دارند - به شما میگویند که ارتش باید در...
سیاست مدخله نگردد و بی طرف باشد - ولی در...
جهان این بین زحمتکش استقلال شده - مخصوصا...
مکتورف - و طبقات صاحب مال که بده نامنت...
به طبقات حاکم کشورهای امپریالیستی و مسلط...
است از طرف دیگر - بیطرف بودن چه معنایی...
دارد - آیا شما باید در جدل این بیگانه...
دار ملتور و زیند از مختور بیطرف باشید؟ - هر...
سرباز آزادی خود جواب این سوال را میدهد...
سربازان فرماندهان زحمتکشان این کشور خاک...
دسته و بیوسله و مبارزه ای جدا از انسان...
ندارند -

واقع است که طبقات صاحب مال و...
امپریالیستهای خارجی ترجیح میدهند که...
بهمان دوران کوفی سابق برگردند - و مبارزه...
پیروز سوزینه اکثریت زحمتکش جامعه را به دست...
تاریک گذشته عقب برند - ایمان صریح است...
که به سوزینه اتکا کرده اند و به پیروز خیال...
کنند که ایشان آرا دارند - درسته بیوسله...
خطر است که انتمایات اخیر ارتش که طرف...
به مبارزه بصورت فرود مگرایند آرا و فرماندهان...
شما را بدون - و نظیر گرفتن خواست فریب...
بر شما مسلط کردند - خطرات عظیمی را برای...
انقلاب ایران و دستاوردهای آن در بر دارد -
انقلابی که در حسرت کارگران...
سوسیالیست گرد هم آمدیم - انقلاب گردیم که...
در مقابل نوشته جیبی های دست راستی ها...
گردنجامان را امپریالیستیک میخواهند در مبار...
سلطنت سابق را در این ملت برآوردند -
از حکومت کارگران دفاع کنید - ولی ما بس...
تمام کارگران و زحمتکشان ایران و برادران سوز...
آنها در پادگان ها و سپاهخانه ها میگردیم

اما برادران و خواهران کارگر - دهقان و...
زحمتکش خود - کمیته های سربازان را در...
پادگان ها تشکیل دهید - هم اکنون بسیاری...
از کارگران برای ایجاد چنین کمیته هائی در...
کارخانه دست به کار شده اند - کمیته هائی...
که بتوانند در مقابل زورگویی های کارفرما...
برای خواست های کارگران مبارزه کنند...
معمولان شما که بیستباران قهرمان تسمار...
ارتش بوده باید بیشتر از برادران مبارزه طلب...
هر چه ضروریست و دموکراسی و در ارتش باشد...
و چنین کمیته هائی را پایه گذاری کنید -
به شما سربازان میگویند که کنترل امور مردم...
و مخصوصا کنترل ارتش اینها ممکن نیست...
باید فرماندهان "لا ایل" از بالا منصوب شوند...
ولی ما این فرماندهان "لا ایل" انتصابی را...
قبلا به دست و شناخته ایم - همین آنها بودند...
که هزاران نفر از برادران و خواهران شما را به...
خاک و خون کشیدند - برای ضد کردن انقلاب...
ایران در دریای خون نوظئه کرده اند - سربازان...
فرمانده هائی میخواهند که نتوانند به منافع...
انقلاب ایوان و صاحب مال این سلطنت و...
امپریالیستیهای خارجی - بلکه شعبه به منافع...
و آمال اکثریت زحمتکش این کشور باشند -
چنین اشخاصی لفظ در بین خود شمس...
سربازان - برادر عزیز کارگران و دهقانان...
ایران - با ملت مطبوع و باید توسط شما...
بطور دموکراتیک انتخاب گردند - سلطنت...
موتاب ارتشی - نمایانگر سلسله مراتب کسل...
اجتماع است - اشخاصی که در آن صاحبان...
مال و مال - اکثریت بطرف محبور و زحمتکش را...
برده های از غریبه خود میدانند - سلطنت...
مراتب ارتش - دقیقا برای حفاظت از چنین...
تقسیم ننگینی در جامعه موجود است - شما...
تیمسارها بتوانند پیروز سوزینه سربازان را طبع...
خواهران و برادران خود که برای زنده گنبد...
و رهائی از فقر و غنا زندگی تلاش میکنند...
به جنگ بفرستند - ارتش ثابت گوی - ارتش...
و از تمام شما شلخته شده و افرومان شده...
تیمسار ترس ها می خواهند آنرا دوباره بس...
وضع ایل در آورند - تنها برای مرکز...
برادران و خواهران زحمتکش شما ساخته...
است - برای دفاع از سلطنت و هوشتان شما...
آمده - به چنین ارتشی احتجاج نیست - و پیروز...
های قیام 21 و 22 همین هنگامه شما و...
مردم - کارگران - زحمتکشان و جوانان یکس...
شده - آرزوی برای اولین بار آزادی به دست...
آوردیم هیچ نبوتی نمی توانست در...
مقابل آراء مردم ما مقاومت کند - برای حفظ...
آزادی - برای جلوگیری از توطئه های دست -
راستی ها و امپریالیسم - باید سربازان بسا...
مردم مسلح یک شوند - و بجای ارتش تابع...
زحمتکش و مطبوع مردم - کارگران - دهقانان...
و جوانان بیوسله باید - تقنین مسلح...
مردم آزادی را برای سرودن میلیون میلیونی...
به ایستادن خواهد آورد - اگر بیست و...
بنای ایران آزاد شده - تنسون مسلح...
کن مردم باشد - اگر هر فرد جامعه سرباز...
مسلحی در راه آزادی می باشد - دیگر هیچ...
نیروی در جهان نخواهد توانست ظلم و ستم...
را دوباره برقرار کند -

همین زمان - شما - همواره برادران و خواهران...
کارگر و زحمتکشان انقلاب نکرده که در مبارزه...
سربازستان را به های از بالا تعیین کرده و به...
شما حلقه کشند - ما میخواهیم که برای اولین...
بار در تاریخ ایران جریح این ملت به شرح...
اکثریت - اکثریت زحمتکش و محبور این ملت...
پارچه و تدمیر گوی در مورد گنبد تنسون...
زندگی از طریق خود مردم گرفته شود - ماه...
حرف و وند و رسید ابتدا تنگیم - بگذارد به...
ما میلی نشان به هند - حق تصویبگری و پیروز...
موروثش گنبد - تنها با خود مردم باشد - برای...
تحقق یافتن آراء مردم باید مجلسی نمایان...
از طریق رأی آزاد - مستقیم - مساوی و مخفی...
مردم فوراً تشکیل شود - از طریق آن...
نماینده گان خود مردم زحمتکش گوی در مورد...
سربازت خویش و بسط و توسعه انقلاب در...
جهت برادران سوزید که سهم سهمیه پیروزی...
انقلاب خود داشته اند - باید حق داشته...
باشند نمایندگان خود را به چنین مجلسی...
پولیتیک - شرط اولیه تحقق چنین چیزی پیروز...
آزادی و دموکراسی در پادگان های ارتش...
است - سربازان باید حق داشته باشند...
آزادانه و بدون سانسور نظرات خود را از سرباز...
دارند - در اجزای سیاسی جلساتی میباید...
هایی که از طرف مردم در خارج از پادگانها...
تشکیل میشود شرکت کنند -

سربازان 1 پادگان دوران برگدی نزد بسکه...
است - این شما هستید که باید به حضور...
دموکراتیک تصمیم بگیرید و فرماندهان خودتان...
را از بین خود انتخاب کنید - برای بیشتر...

به حزب کارگران سوسیالیست میبندید

اگر با بسیاری از مطالب این نشریه موافق...
هستید...
اگر علاقه به و دگیری در جنبشهای...
اجتماعی ایران هستید...
کار میباشید و به انقلابی هستید که در حسرت...
کارگران سوسیالیست گرد هم آمدند...
میبندید -

حزب کارگران سوسیالیست به نال پیدل...
ندند به حزب تنوع بیگار برای دموکراسی...
عدالت اجتماعی و سوسیالیسم است...
مبارزه شما مبارزه است - حزب شما...
حزب شماست - به حزب کارگران سوسیالیست...
میبندید به -

حقایق مربوط به انقلاب کردستان



ادبیه از صفحه ۱۱

فراز کرد - این آخرین نقطه ای است که قبل از ورود به مناطق کرد نشین "گینه امام" فعالیت می کند - در انزلیس با همه نفر با لباس کردی هستند - سازمان گینه امام وارد می شوند و اول به سواخ چین سنی نفر می روند - دو نفر از آنها را با زبانی سنی می کنند و به نفر سنی که کنار من نشسته است نگاه مشکوکی می اندازند و از انزلیس پیاده می شوند - همسر کرده بن که هاجم سفر است از این بیعت اساسی اجتناب کرده و - مسر صحبت را باز می کند - می پرسیم در کردستان چه خبر است که اینقدر در تهران و سایر شهرها بر سر آن شایعه سازی براه افشاده ؟ حالت نه انصافی بخود گرفته و به سختی بیست هفتاد تن جواب می دهد که کردها نیزه طلب نیستند و تنها همان چیزهای رایج و باهوشانه که سایر مردم ایران هم خواستار آن هستند - بعد شروع به گفتن این خواست ها می کند - مردم کردستان تقیر هستند - منتقد مسأله طلب افکاره است - ما صحبت نه داریم - وضع گناهبران جواب است - هر گذشته بیست و یکم شده و حالا باید از تاریخ بتم خود می گوید در زمان سلطنت - عش پوشیدن لباس کردی می برای ما عالی از تاراجی و سطر نبود - اگر کسی با لباس کردی بیست اندازند دولتی می بیند با اسلحه گسار او را زده می انداختند و با نحت بیانه های مختلف او را می گردان کرده و با اسلحه ها محظوظ می کردند - ولی حالا همه لباس کردی می پوشند - می گوید در گذشته صحبت بیست زبان کردی در مزارکس درس گاه می خواندند - محسوس می شد و بسیاری از معلمین باخاطر همین "عجیب" اخراج شده - حتی بیست و یک معلمانی بخاری شده بود که هنگام زنگ تفریح که به خانه می روند هم در بین راه بیست هم کردی صحبت می کنند - می گوید ولی حالا حیوان تغییر کرده و همه جا به کردی حشر می زنند - همه می خیل هستند و دیگر تقصیر برکنش به زندگی خفت بار گذشته را ندارند

در یوگان

وقتی به یوگان رسیدیم همه این حرفها و بسیاری حرفهای گفت دیگر برلمان تأیید شد - در یوگان - مانند اغلب شهرهای دیگر کردستان - از برای انقلاب هیچ خبری نیست - نه پاک زاده ارم نه یک پلیس مواکنز این شهرها که سابقه از آنها دولت مکرر سنی انصی نقاط کردستان و هات و قمیات را در بد قدرند و سرکوبی خود داشت به دست مردم افکاره است - گروه های مختلف سیاسی ستاد های خود را در این مواکنز برپا کرده اند - ولی برخلاف آنچه که در تهران و شهرهای دیگر دیده می شود - گروه محسوس بنام "فدائیان" - "گینه امام" وجود وجود ندارد که کنترل شهرها در دست داشته مردم و خلع سلاح کرده باشد - در وسط شهر یوگان - اسلحه آزادانه خرید و فروش می شود - تمام شهر یوگان دلیل زنده ای است در برد این گفته که اگر مردم مسلح باشند ناامنی و شورش ایجاد خواهد شد -

نفر جوانی از جنبه ان و بعضی اول ستان - خدی ای از بر زمین و آبادی زمین سابق معنوی نامیدگان کردستان به نظرمین می زند - همه بر این عقیده هستند که بیست امتحان واقعی دولت پارگان - تحسوسه عکس العمل آن به خواستهای مردم کردستان خواهد بود -

کردستان مبارز واقعی برای دیوگراسی در ایران است - از ما می پرسند در چایز نقاط ایران چه خبر است ؟ می گویم مسأله مبارزانه ساله مبارزه برای دیوگراسی است - کارگران میخوانند آزاده حق است حساب سندی خود را داشته باشند تا اسپس سندی بانه از مناطق آنها دفاع کنند - این بدندان - دانشوران و دانش آموزان میخوانند در پارچه میروند خود و کار خود و خیل باشند - سربازان دیگر میخوانند به همان پادگان های سابق برگردد تا اسپس فرماندهان جدیدی بی شوند که دوباره مثل سابق انصافی هستند - میخوانند در سالن مربوط به خود شان حق محسوسه و مطالب داشته باشند - در ستان گینه میگویند ما هم چیزی جز اینها نمیخواهیم - ما میگویم کردستان باید حق تعیین سرنوشت خود را داشته باشد - مطالبها و مطالبها همه ای دیگر برای ما محسوسه گرفته اند - ما را از اینها حق محسوسه محروم کرده اند - زبان و فرهنگ ما را سرب

در یوگان اغلب مردم مسلح هستند و هیچ آشوب و بلوائی هم برپا نیست - حد نظم و پاسداری از طریق محلات و همایگی های مختلف انجام می شود - از مبارزان کردی که در یوگان با آنها آشنا شدیم راجع به شایعات زیادی که در روزنامه ها و رادیو تلویزیون مرتبا تکرار می شود پرسیدیم - همه به نحوه ای که موضوع کردستان در رسانه های جمعی منعکس می شود اعتراض می کنند - میگویند خواستهای واقعی ما به مردم ایران گفته نشود - بجای

مصاحبه "کارگر"

با

شیخ عزالدین حسینی

در روز شنبه ۱۴ اسفند ماه - خبرنگار نشریه "کارگر" مصاحبه ای با شیخ عزالدین حسینی در میانه برگزار کرد - وی گفته امام جمعه میانه است - از محرومترین و محسوسترین شخصیت های سیاسی و مذهبی کردستان است - بعنوان یکی از سخنوران نامیدگان اصلی خواست های مردم کردستان محسوسه میشود و در خطبانه ها - سادای که در جریان مذاکرات با تعیین نامیدگان کردستان میسر است او بعنوان تنها کسی که در جریان مذاکرات دولت مرکزی بعنوان ریاست هیئت نمایندگی کردستان مورد قبول خواهد بود نام پیوسته شده است -

قبل از شروع مصاحبه - شیخ عزالدین حسینی ضمن اشاره به این مطلب که پس از فرستادن نشریه "کارگر" مصاحبه می کنند گفت: کارگران باید از حق ما دفاع کنند چون ما هم از کارگران همه ایران حمایت می کنیم -

در جواب به سؤال مربوط به مسأله هیئت تهران می پرسیم: آریوش میروند - شیخ عزالدین حسینی گفت: از طرف آقای مهندس سازگان هیئت میونس آتای فیوهر و نمایندگان خود شان اینجا می آید - آند - ما هم تا آن حدی که توانستیم از نامیدگان شهرهای مختلف کردستان خواسته بودیم که نامیدگان خود را برای این مذاکره فرستند - این نامیدگان که از طرف میونس آتای اجتماعی و انقلابی بودند از تمام شهرهای کردستان مانند سنج - یوگان - یانه - یوزانسیس - سوزند - اریسه - میسوان - سلیمان - کرمانشاهان آمده بودند - ما به هیئت دولت گفتیم که ما خود را جز یافتگان ایران میدانیم و حقوق کردستان را هم در چارچوب این نامیدگان می خواهیم -

"پس از مطبوعه با نامیدگان کردستان - حوادث های ۸ ماهه ای خود را محسوسه کردیم و به هیئت تهران دادیم - آنها قبول دادند که کمی از آنها هر چه بود نتوانیم دهند - ولی گفتند برض از آنها و شجاعت ساله خود بخنداری در چارچوب ایران - دولت آقای سازگان قبول خواهند کرد تنها آنها تصمیم بگیرند - یک اسلحه که ما مطرح می کنیم نیست که همه خطبای ایران بایستد به حقوق خود پیوسته ولی ایران بایستد استقلال داشته باشد -

در مورد اینکه اکنون در رغبات نیروهای سرورگر سابق ا شهربانی و ژاندارم سنی و ارتش در کردستان چه میروند و با هیئت امور شهرها را حل و تحلی می کند - شیخ عزالدین حسینی گفت: "فلا شوراهای اجتماعی در شهرهای مختلف اسور را در دست داشت و پس چون این شوراها هستند در کردستان بود آنها محل کردیسم و نوزدهای انقلابی در شهرهای مختلف می آید تا نامیدگان نام افکار دران شرکت داشته باشند ولی مردم شهرها - خردشان خود خود شیروا اداره می کنند و واقعا احساس مسئولیت می کنند -

شیخ عزالدین حسینی در مورد تبلیغات سیاسی که از طرف میانه های محسوسه در میروند کردستان راجع شده گفت: "اصلا مبارزه ای که در اینده بود در سراسر ایران شروع شده و در کردستان نیز ادامه دارد - می رسد و چیزی بود - یکی اینکه حکومت سابق سرورگر نبود و دیگر آنکه یک حکومت دیوگراسی برای همه مردم ایران وجود آید - حکومتی خلقی که بفتح همه خطبای ایران باشد - مبارزات مردم کرد هم باید در بین مبارزات خلقی های ایران باشد - می توان سرکرد ستان از این عقیده حمایت می کنند - تا زمانی بنام

نفره است - روسی و ژاندارم - مانند مناطق اشغال شده و زمان کسور است - ما حالا بنهذهن سایر مردم ایران همه این دستگاه های سرورگر را از اینج بیند و می خواهیم ام و می خواهیم از این محسوسه خودمان تصمیم بگیریم - ما میخواهیم آزاد بدون لوس از دخالت ارتش و نیوسولسار سرورگر خودمان سرنوشت خودمان را تعیین کنیم - میگویند موضوع تجربه طلبی بیرونی مطرح نیست و همه شایعات است سوزان برساندن سایر خلقهای ایران - این جوسی است که سال ها اسلحه ما بکار برده اند هم در زمان شاه و هم در زمان پهلیمبار هم موقع که برای حقوق خودمان دست به میان زدیم گفتند شما تجربه طلب هستید - میگویند ما تنها تصمیم که چینی خواستیم در این - آذربایجان و بلوچستان نام طمع ۵۵ سال اختیای جمود با سرورگر فرهنگ و ملی را چیده است - ولسی اینکه اینک کردستان برپیده از مبارزه سوزان حق تعیین سرنوشت طلبت های محسوسه ایران است بخوبی آگاه بود و از اینکه مثل ملی در آذربایجان عزیز به این قسمت - حدت مطرح نشده متعجب هستند - میگویند میگویند در تعمیر بود بر شاه بدت هایی در مورد آزادی زبان سادی لوم تدبیر در این به زبان ترکی بود ما - میگویند که در کردستان از مبارز



تجربه طلبی اصلا در مبارزات ما راهی ندارد - ما این موضوع را نمیگویم محسوسه ترس از کسی نداریم - بلکه واقعا چه ایسی خلق کرد از سایر ملل ایران معلقت نیست - کردستان میخوانند در بین ایران محسوسه حق تعیین سرنوشت خود دست باید - در مورد ولواتم آمده که حکومت مبارزان گفت در ۱۰ فوریه بن انجام می شود و قرار است در آن جمهوری اسلامی به رأی گذاشته شود سؤال شد - شیخ عزالدین حسینی جواب داد: "ما اسلام را نداریم ما دنبال آن چیزی هستیم که نیاز به خودمان سرنوشت خود را تعیین کند و هر کسیتی که میخوانند سرکار بگردد از دست حکومت که نمایند خود مردم باشد و به نفع همه خلق های ایران - باید حکومت داشته که مخصوصا از کارگران و رحتکنان باشد - با حکومت اسلامی را قبول داریم اگر محسوسه بخوابی همین حکومت کارگران رحتکنان باشد -

سؤال شد که اگر دولت به خواستهای مردم کردستان جواب مثبت ندهد - و بیست خواست های شما ترتیب اثر ندهد - کردستان چه راهی را در پیش خواهد گرفت - شیخ عزالدین حسینی گفت: "هر دلیتی که می آید و حقوق انقلابی را برصیت نشاند یک حکومت ارتجاعی خواهد بود که مردم ایران آرزوی نخواهند داشت - تمام مردم ایران سرباز دیوگراسی و علیه چنین حکومتی مبارزه خواهند نمود - مبارزات ما برصیت نشاند یک حکومت ارتجاعی است - مبارزات ما مبارزات سایر ملل خلقی های ایران جدا نیست - ما می خواهیم از این مبارزات تمامی مبارزات سایر مردم ایران باشد -

دستان‌های یوگان را با نشان میوه هندسه ماهی سیاه "کوجا" ضد بهرنگی و هفته ای دو روز برپا به پنج مایه‌سی جز آنها نیست می‌گویند بسیاری کتب بزبان کردی هم اکنون زیر چاپ است.

حق تعیین سرنوشت

تئور خوینین سلطنت پهلوی برای مدت ۲۵ سال اخیر مانع از حق طریح مسائل مردمی شده بود که جلوی بیطرفت جامعه را می‌گرفته بود. نبرد ملی ۲۲ سال پیش ارتش شاه، همان ارتشی که در طی یکسال اخیر دو بارها نظر را بر خفا و عین افکند، است و بعد از آن که سران فرستاده شد تا سدا می مردمی را که علیه خود گامی برداشتند بزرگی تمام کرده بودند در خون خفه گسید. شده و طعم و ششکی در دهگات پهلوی می‌نماید غیر فارس و ایران برآ شده. بدیگری عمیق است و بدیگری تمام بنام نهادهای ظلم و استکبار در سراسر ایران را به جایزه می‌طلبد همه حق حکومت مدنی و اطرافناشته در چهسه ملی که ادعای دموکراسی کرده بخواد مسودن را داشتند. علنا با جنسی مردم آذربایجان و کردستان به مخالفت برخاسته و سرگویی خوینین مردم آذربایجان در ۱۱ آذر ۱۳۲۵ و کمی بعد در کردستان را مسودن. مساله آزادی این ملت ها، که حتی از استفسار و آذربایجان مادی خود متوجه شده اند. پهلوی تاگتسی با آزادی کل جامعه ما دارد. و در بالا تر بهاد اینکه این ملت همواره مساطق حیزت ایران ستمی دارند. مساله جایزه علیه ستم ملی در این مناطق، قسرا ایجاد انقلاب ایران را وسیع کرده و آنرا به مساله انقلاب بین کل مملکت ملیسه حکومت های دست نشانه امپریالیسم مربوط می‌کند.

انقلاب کنونی ایران، تمام مسائل حاد را که بر سر راه آزادی دموکراسی جامعه قرار گرفته بود، با شدت و فوریت گسب ساخته به روی جامعه آبروه اندود و در این شرایط مساله حق تعیین سرنوشت علیه همی شده به در ایران را از اهمیت استثنائی برپرسین کرده است. اکنون که مسودم کردستان به حرکت درآمده اند، بسیاری مسلط شده اند و خواهان پایان یافتن عمومی ستم و استکبار هستند. در محقق گسب است و دولتی را به امتحان گذاشته اند. در چند سال پیش دموکراسی در ایران مساله ملیت های متعدد ایران است. هر دولتی که نرواند به خواستهای مردم کردستان، جزایر ملیت مد، حافظ و نگهبان همان دستگاه ستم ملی قلی است. دولتی است که مخالفت دموکراسی در کل جامعه است. سلطنت پهلوی برای مردم ایران تنها به معنای امپراطوری فئودر و شکله و ادیکسی ۲۵ سال گذشته نبود. برای ملیت های دست نشانه سلطنت، معنای دیگری نداشت: سرگویی مدایع ملی و فرهنگی و زندگی تحت استکبار و نفق افتاده ترین اوضاع اقتصادی - سیاسی نیست که اکنون مسودم کردستان رهائی از یوغ زندگی نیکه، بسیار گذشته به معنی سلطنت را. در پهلوی تاگتسی با آزادی ملی می‌بینند.

دوران کردستانی مساله رهائی زندگی طبق افتاده خود، رهائی از یوغ زمین داران مطلقار و زاده های حامی آنان در دهات و بیابان و زمین زراعتی را چه از کربلا تا کنون همیشگی دست عمال سرکوبگر حکومت مرکزی و زمین داران خود که سالها بنیاسا چند کابل همین حکومت مرکزی خون آنگان را می‌گذاشتند نبودند. زمینگتسی مسودم و پایان یافتن ستم ملی و سرگویی فرهنگ و زبان را با امکان چیره شدن بر به پهلوی سلطنت پهلوی از زندگی و غلبه یافتن بر اسوع استکبار و ستم ملی می‌گذاشتند. و چنین است که مساله حق تعیین سرنوشت برای کردستان و برای دیگر ملت های ستمدیده ایران

دستانان و مسئله ملی

در بسیاری از کشورهای توسعه یافته، حتی قبل از آنکه تمام ۱۹-۲۰ بیمن مساله تهران پیروز شود، عمال نیروهای سرکوبگر سلطنت تار و مار شده بودند. جیساروزان کردی که با آنها در میانه آتشا چند بیمن می‌گفتند که چگونه از همان دوره حکومت نظامی ازهار، دولت عمال از اجزای قریبات حکومت نظامی در بسیاری از کشورهای شرقی کردستان عاجز بود و بیتم نیرتبه آری ها و کشفاهای نگور، نیروهای نظامی شاه جیسور به فتح نشینی به باگان و سیزارخانه های خود شدند. در اغلب شهرهای کردستان، خوراهای اجتماعی، جدا از مؤسسات دولتی و نظامی رژیم موجود اند. ولی بی هیچ سطح جایزه از این خوراهای که غالباً در یوگتسیه عناصر محافظه کار و مازش طلب بوده است، فراتر رفت. اکنون خوراهای اجتماعی همه متصل شده و خوراهای انقلابی در شهرهای مختلف پیدا شده اند. البته این خوراهای نیز هنوز واقعا دموکراتیک نیست و نمایندگانشان آن اثر طریق آرا، مردم انتخاب نشده اند.

در چینی که با برخی مایزین کرد ستر سرخو اصالح حق تعیین سرنوشت داشتند طره گلی بر این بود که باید جمعی از نمایندگان انتخاب شده خود مردم کردستان تشکیل شود و در این مجمع بطور دموکراتیک در باره چگونگی احقاق حق تعیین سرنوشت و اینکه در کردستان چه تغییر می‌شود، بسیاری از این مایزین چنین انگاشی را میدیدند که انتخاب دموکراتیک آزادانه خوراهای انقلابی و پیوسته آمدن شورای سراسری که در یوگتسیه، این خوراهای باشد، قلمسی در راه تحقق چنین امری است.

وجود آبرودن و تشنگ و نگرانیهای مختلف رزمندگان در شهرها و روستاها از همه ترین مسائلی است که مردم کردستان با آن روبرو هستند. از هواکین دهرخشی از شهرها، خوراهای ده سرلخت گردانده بسیاری از این خوراهای در دهات نجسند و تشنگ و جمعی برای نگهبانی از ده و خرید اشعه برای دفاع از مناطق روستایی هستند. و البته با بیوزی رانده شدن زاندارم ها از دهات، نیاز به چنین تشنگیهای بیش از پیش احساس می‌شود. در ضمن اخبار زیادی نیز وجود دارد که حاکی از اشغال زمینهای زمین داران بزرگ توسط دهقانان و زمینداران و زمینداران هستند. همچنین گفته می‌شود که بسیاری از زمینداران بزرگ و مالک مسج شده اند و خود را برای تقابل با دهقانان قوی که اقدام به شخم زمین ها می‌کنند، به زمین فروبیستند. مطلقا خوراهای ده که اکنون بصورت بورژوازی در دهات بوجود آمده نقش بسیار مهمی در تقابل با سرگویی زمین داران بزرگ و مصالح اخیر شده آنان بازی خواهند کرد.

مردم کردستان، پس از ۲۲ سال که در سرگویی خوینین حکومت ملی کردستان در سال ۱۳۲۵ می‌گذره، و پس از سالها که از کشتار و طرح قمعین کرد توسط رژیم عراق و با همکاری و همدستی شاه ایران گرفته، دوباره به با خاستند و بسیاری در راه احقاق حقوق خود و آزادی ملی مسلط شده اند. تصریه سالها سابقه هم در ایران و هم در عراق، به خلق کرد آخوشت است که این آزادی و رهائی از یوغ کشتن ستم تنها از طریق تشنگ و مبارزه خود آنها میسر است. مبارزه جانانه خلق کرد، به همراه ستم های سراسر ایران برای براندختن سلطنت خوینین سلطنتی و امپریالیسم هم اکنون با زبان و اشکالی خود را در میان کرد های آسیوی نیز پیروز داشته و میباید که در یوگتسیه انقلابی دروغ های کرد عراق را جایگزین رضوی نماید که در اثر سرگویی وحشیانه رژیم عراق در چند سال گذشته بوجود آمده است.

نیرو ایجاد و تحکیم همبستگی

در چنین موقعیتی که از یک طرف رژیم عراق در همه دست و پاره در جلوی آسما توده های کردی قلم کرده و دست باجین - یزی چه پدی یزی و از طرف دیگر تبلیغات زهر آگین علیه خواست های خلق کرد، درخورد ایران ادامه می‌یابد. نیرو ایجاد و تحکیم همبستگی توده های مردم ایران با خواستهای مردم کردستان اهمیت درجه اول پیدا کرده است. همان تبلیغاتی که در زبان شاه و حکومت پهلوی در مورد "تجزیه طلبی کردها" راجع بود تا توجیهی برای سرگویی خلق کرد باشد. هتیز کرد و پیش ادامه دارد.

برای خشی خودن این تبلیغات، رماندن همه ای مردم کردستان به سراسر ایران و امکان دادن خواست های واقعی مسودم کردستان، در یک کلام دفاع از حق تعیین سرنوشت خلق کرد و بسیج همبستگی در سراسر ایران با این خلق مبارز، نیاز به مبارزه و فعالیت سراسری بندت احساس می‌شود. مردم کارگر و رزمندگان ایرانی هیچ منطقی متناقض با منافع مردم کردستان ندارند. سلطنت پهلوی و مسودم ایران امپریالیسم آن سال ها بود که از طریق سرگویی مدایع ملی و فرهنگی ملیت های ستمی ترک، کرد، بلوچ و عرب ایران، ستمی در ایجاد تقای در بین صفوف رزمندگان ایران کرد. اکنون کارگران و رزمندگان ایران باید از طریق حمایت از حق تعیین سرنوشت این ملت ها، ستمی را که با حقوق به نام آنان به این ملت ها روا شده براندازان و بدینوسیله اتحاد خلق ناپذیر همه ستمدیده گان و رزمندگان ایران را مستحکم کند.

حاضره سرگویی چندین های آذربایجان و کردستان در سال ۱۳۲۵ بدست قسوا ی شاه، هنوز در بین آن هان عسری ملیت های ستمدیده ایوان زنده است. روسی که از این تشنگ برای انقلابین سراسر ایران بچاگانه شد همیشگی همه رزمندگان ایران با ملیت های ستمدیده ایوان است که برای احقاق حقوق پا بمال شده خود بصیرت مردم آینه تپا در صورت بیخود توده های مردم ایران به دفاع از خوراهای و برادران کرده آنها است که می‌بایست مطمئن شد که دیگر آسما تعلق ستمدیده کرد، به خون کشیده نخواهد شد.

باید برای تشنگ چنین همبستگی و حمایتی از همه اکثین دست به کار شد. لازم است که همه گروهها، سازمانها، احزاب و افرادی که از حق خلق کرد برای تصمیم گیری در مورد سرنوشت خود حمایت می‌کنند، برای بسیج چنین همبستگی و حمایتی دست به کار شده و کینه همبستگی با کردستان را برای بسیج جنبه همبستگی و حمایتی دست به کار کرده و کینه همبستگی با کردستان را بنیاد کنند. چنین کمپن های باید گوشه گت که در ضمن بازگردن کردن عقاب بیرونی به انقلاب کردستان و خواست های خلق کرد بسیج چنین خوراهای ممکن را به دفاع از حقوق خلق کرد بسیج نماید. از طریق سخنرانیها، میتینگ ها، جلسات و نظارات، با بنده صدای مردم کردستان را به همه بسوادان و خوراهای کارگر و رزمندگان آن در سراسر ایران رساند. چنین فعالیت و مبارزاتی نه تنها در دفاع از حقوق خلق کرد است، نتیجا دفاع از حقوق همه ملیت های ستمدیده ایران است. بلکه دفاع از حقوق گویسه کارگران و رزمندگان ایران می‌باشد که اکنون برای بشیرت خود، بیخیزایی بیستی محتاج به متحد نمودن صفوف زبنده مسودم هستند.

اعتراض به توقیف "اولدوز"

صاحب ۳ بعد از ظهر روز جمعه ۱۸ اسفند ماه، صد ها نفر از آذربایجان های ملهم مرکز در دانشگاه تهران جمع شده و در بدله جلسه سخنرانی شرکت کردند. هدف اصلی اجتماع فوق، اعتراض به جلوگیری از چاپ روزنامه "اولدوز" توسط کتبه ایوان بود. این از جمله نشریات به زبان ترکی است که پس از ۲۲ سال سرگویی زبان و فرهنگ آذربایجان منتشر شده است. پس از آنکه آقای شاه در ۱۹ آذر ۱۳۲۵ حکایت ملی آذربایجان را در هم شکست و وارد تئور شد و هزاران تن از آزاده پهلوی و انقلابیون آذربایجان را به خاک و خون کشید. سرگویی مدایع زبان و فرهنگ آذربایجان دوباره شروع شد. از اسوخ دیگر حتی تشنگ و تحصیل زبان مادری شروع شد و بسیاری از مایزین که برای آزادی زبان و فرهنگ آذربایجان کوشش می‌نمودند، از جمله ضد بهرنگی به دست رژیم ناپود شدند.

در فعالیت گروه ملی آذربایجانی های ملهم تهران، اعتراضی بود علیه تمام ایدئیس سرگویی و اعتراض به ستم بورژوازی "اولدوز" که از نظر ملیت ستمدیده آذربایجان گسودنی برای ادامه همان مسامت های سرگویی ملی گشته است.

پکی از کمپنیک در این اجتماع شرکت کرده بود گزارش زیر را برای ما فرستاده است:

روز جمعه ۱۸ اسفند، آذربایجانی ها در نقاط مختلف دانشگاه تهران گروه گروه جمع شده بودند و در مورد تحسین خود در دانشگاه و جلسه سخنرانی صحبت می‌کردند. همه از هم می‌پرسیدیم، "هار داد" (گفتند ۱) "سلطه مدایع ملی بود، می‌خواستیم هر چه ستم بود از محل اجتماع معلوم شود تا به ستم ملی که از زبان رضاخان به نام خلق های ایران و برآ روا شده است، اعتراض کنیم و فریاد های ملی طلی ساهار، رژیم استبدادی پهلوی در

جان بود به عمل آورده است و خواندن این کتاب را به همه کارگران جهان توصیه کرده است. اگر کسی با لنین و کارهای او کوچکترین آشنایی داشته باشد میدانند که او فرد بسیار دقیق و زکی است و هیچ وجه از بازگرفتن حقایق و اشتباهاتش ندارد. در حقیقت، لنین در چنین مواقعی از طرف مخالفانش به "پروفسور" محکوم شده است. من جظور است که او در باره "منش و واقعی ترسکی" سخنی به میان نیاورد. مگر نه اینکه او از "کتاب مسائل" خبردار است؟ قدر مسلم اینکه اگر جان بود چنین عمیق نظرش بود که احساس طبعی بیان می‌کند. عرفه کرده بود، می‌دانست توسط لنین تصحیح شود تا کارگران جهان که آنرا مطالعه می‌کنند، چندسهمین اشتباهاتی را باور نکنند. ولی پیش می‌بینم که لنین این کتاب را بعنوان "حقیقی ترین و روشن ترین توضیح از حواشی" که برای فهم انقلاب انگیز ضروری هستند، معرفی می‌کند.

بنا بر انسان منطقی نقطه میزبان نتیجه بگیرد که با بر خلاف عقیده آسان طبری، لنین هم "با هر حکم بر ظاهر امور و بی خبری از که مسائل" دچار اشتباه شده است. که در کتاب بتوان باور کرد. و با اینکه آسان طبری می‌خواهد بر سر خواندن آن کتاب یا حلقه بازی کلاه بگذارد و سعی در وارونه جلوه دادن حقایق و تحریف آن دارد - شق ثانسی را برایش می‌توان قبول کرد. این شد یکی از شوه های فاسد پس استالینست و احزاب استالینستی منجمله حزب شوروی بود است.

در زبانی که این کتاب در شوروی از سال ۱۹۵۶ در تونف بود. حزب توده آن از سخی به میان نمی‌آورد. هنگامی که این کتاب در موزیه منتشر شد، حزب توده هم آنرا منتشر کرد. ولی چنین اظهاریهاتی این کتاب با تحریف استالینست از استالینستی تاثیر ندارد. همگی لا بر دیده که مقدسه است بنویسد تا تحریفاتی خبر را فرجه کند - "پاد آوری" احسان طبری هم می‌شاهدند به "پاد آوری" سخنی روس این کتاب نیست. در چاپ روس آن که بعد از کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی به چاپ رسید - "پاد آوری" زیر کسمه چشم می‌خورد.

"این کتاب به اندازه کافی مبارزه لچوجانه لنینست و نزد بگین همکارانش را علی تحسین طلیان و طلیسه منسسی تا گنگش ترسکی بازگو می‌کند. . . . حزب توده هم که از بدو تأسیسات و تمام پیسج و خرمای تحولات بورژوازی شوروی از حد صد دانشن بر چاربات استالین گرفته تا انتقاد از "کیش شخصیت" او، از روی کار آمدن خورشید تا بیرون راندن او از حکومت و بیرون آمدن آن قانی مانده است. ناچاراً این یکی بخشی پنهان شدن در پشت حیلید انقلابی لنین منظور ترسجه عبارت ها و تحریفات خود و بورژوازی شوروی و نیز از تحریف برادر" بزرگتر خود تلقیه می‌کند. برای پیدا کردن دلالتی که احسان طبری را به تحریف و انتقادات انقلاب روسیه واداشته است لازم است که نگاه کوهای به گذشته حزب توده بیاندازیم

حزب توده و استالینسم

حزب توده در اواخر جنگ جهانی دوم در ایسراون تأسیس شد. بعضی زمانی که بورژوازی استالینستی در شوروی سقوط شده بود یا از بین برودن برپانه انقلابی ترین کارهای حزب بلشویک. احزاب کمونیست دنیا را هم از پیسجای برای به پیروی رساندن انقلابات سوسیالیستی، رسیده ای برای ده و سده سوسیالیستی و اقتصادی و سیاسی سرباه داری جهانی تبدیل شد. حزب توده نه بعنوان ادامه دهنده راه بلشویسم، بلکه به عنوان حزبی وابسته به بورژوازی کرمپلن و محافظ حال آن بوجود آمد. "برنامه" این حزب هم برنامه ای سراسر آمیخته به سازش فلفاتی بود. این برنامه، نه برای حقوق بخشیدن به آلمان توده های شده است و یا کمک به ترک پلک برای حزب توده ها و استفاده از این جنبش ها و مجازات برای کسب امتیاز برای بورژوازی شوروی بود. و هرگاه که این آمال با خواستهای بورژوازی شوروی در تناقض بود، حزب توده می‌جوش و جسر طسکسرت بورژوازی شوروی را می‌شکند.

بطور شوری در اواخر جنگ جهانی دوم، که منقضت در ایران و گنگول آن توسط مردم ایران مطرح شده بود، حزب توده ابتدا اظهار داشت که مخالف اعضای هرگونه اتحادیه با سایر خراسی است. ولی در دین نگذشت که دولت شوروی اعلام کرد خواهان بدست آوردن امتیاز نفت شمال می‌باشد. متعاقب این اظهار تامل حزب توده نیز ۱۸۰ درجه تغییر جهت داد و خواستار برپا و ترسی اعطای این امتیاز بیسسه شوروی شد. ولی مسئله نفت به این بخت نمی‌شد. در ۲۱ آذر ۱۳۳۴، کارگران و روستائیان آذربایجان در سنگاه دولتی و ارتش شاه را از آن سرزمین برمی‌داشتند و حکومت خود را بر سرانوار ساختند. این حکومت برای مدت یک سال برقرار رسد. استالین که خواهان نفت شمال بود، از طرفی که شوروی در

را مجبور به تسلیم شدن در مقابل ارتش شاه کرد. آنها هم در اول فری انقلابی امتیاز نفت از طرف نخست وزیر وقت، توام دولت توام در عین حال از سیاست سازش طبقاتی حزب توده استفاده کرد. و سه تن از وزرای خود را از آن حزب انتصاب کرد. پس از آن حزب توده به کمک دولت در دولت ناسدند. اعضا بهای کارگری شناختند. در چنین شرایطی دولت قسوام توانست انقلاب آنگه پایاچان را در هم بکوبد. وزرای حسرتی توده را که رابطه خود با بخوبی انجام داده بودند و دیگر مورد استفاده دولت نبودند. از کارنامه خود بیرون می‌آوردند و از دادن امتیاز نفت شمال به شوروی امتناع ورزیدند. این یکی از بزرگترین جنایات استالینسم و در تاریخ انقلابی ایسراون است. و جالب است که پس از این شکست، احسان طبری نوشت:

"با بد پورجیت از آن تسلیم بدون مبارزه هوا آوری کرد. زیرا با یک عقب نشینی سوزنده از یک حلقه زبانیخشی بیشتر در خیر قبول است. حلقه این است که نسد شب نشینی سوزنده در کار بود و نه حمله زبانیخشی. بلکه قتل عام انقلابیون آذربایجان توسط ارتش شاه بخاطر مانع بورژوازی شوروی در جود نفت شمال و محاملاتش بیسای امیرالایسم جهانی در مورد آذربایجان، احسان طبری هم سگه همین مانع را در لوابی یک شب نشینی سوزنده و بیسای "حلقه زبانیخشی" به سینه می‌زند"

باز پس از شکست انقلاب در آذربایجان و کردستان، هنگامی که جنبش ملی شدن صنعت نفت در ایران در حال اوج گرفتن بود، حزب توده از عنوان "کوشش در شعار" امتیاز نفت شمال را به شوروی بدهید. دست نبرداشتند و بد نتیجه از یک طرف باعث شد تا رهبری این جنبش به دست جنبه ملی و سرباه داری ایسراون ایران بفتد. از طرف دیگر سگه در هم شکست اتحاد امپریالیست انقلابی توده های مردم طلیسه امپریالیسم انگلستان و آمریکا شده و راه را برای فرجه آمدن شکست ۲۸ مرداد فراهم ساخت. از این حالتها در تاریخ مبارزات انقلابی بعد از شهریور ۱۳۲۰ فراوان است. امروز هم حزب توده همچنان بد احوال از بورژوازی شوروی تسخیر و تحجید می‌کند. هنگامی که خورشید ظاهر می‌شود و بد افتاد از استالین می‌رسد از ده حزب توده هم کف می‌کند که فقط نسبی استالین گس در آدیشی ها و جنایتان که مرتکب شده "زبانه روی" کرده است والا در شوروی نه بورژوازی وجود دارد، نه حسرتی کمونیست گذازار است. هنگامیکه خورشید توسط خود بورژوازی به کنار آمده است. و رفیق بورژوازی "مارکسیستهای جهان" می‌شود و مثلش از شمالی انقلابی آغاز می‌گردد. و واضح است که اگر بورژوا هم به کاری آمده باشد شود، حزب توده هم به دنبال بورژوازی شوروی با پشتی این امر را تأیید کند.

استالینسم و بورژوازی کارگری

احزاب کمونیست پیوسته. نظیر حزب توده از نظر روابط سازمانی درونی هم مشابه هستند - همانند درونی آنها هم از نقش آنان در سیاست نتیجه می‌خورد. ایسراون احزاب که برای اطاعت می‌جوش و جازا از بورژوازی شوروی فعالیت می‌کند. و واضح است که در پیوند دارای بورژوازی داخلی منظور بحث بر روی مسائل سیاسی باشند. اگر حزب "اشباهی" مرتکب بشود، معمولاً تقیبه یا تخلیه یکی دو نفر خاتمه پیدا می‌کند. از بورژوازی سیاسی در ایسراون احزاب طلیسه رهبری عدول از طریق ترس و اوباب و مانع سوز جلوه گوی می‌شود. یکی از بزرگترین توصیه های حسرتی بلشویک این بود که مسائل سیاسی در آن بحث نشود. اختلاف نظر در آن وجود داشته. بخوبی نوشته ظاهر می‌شود و تمام اعضای حزب می‌توانستند این مسائل را مطالعه کنند و نظرات خود را بنویسند و عرضه کنند و زنده بودن حیات بورژوازی حزب بلشویک از زمین جا سرچشمه می‌گردد. با پیدا ایسراون استالینسم نه تنها این بورژوازی داخلی را از بین برد، بلکه از حیاحات و جدلهای درین حزب بلشویک که از گذشته باقیمانده بود - بخصوص جدلهای لنین - بعنوان چماقی برای استفاده علیه مخالفین سیاسی استفاده می‌شد. ایسراون بحث ها یکی از فن تین نهادن نظرها بیاحتیاط مارکسیسم زنده را تشکیل می‌دهند و هر مارکسیست انقلابی این مسائل آنها می‌تواند بیورد. این بورژوازی و حیاحاتش ایسراون بحث ها بی برد. در نتیجه بحث جدا جدا، بحث ها و مبارزات بود که حزب بلشویک به برنامه انقلابی خود دست یافتند و توانستند از اولین دولت کارگری را در معتمد تاریخ بیافرینند.

استالینستیها درست بچگی عمل می‌کنند. آنان با تحریف واقع چنین وانمود می‌سازند که کلبه جنبشهای درین حسرتی انقلابی برای ایجاد "حشقان" توسط لنین علیه افراد دیگر بوده است و در نتیجه ترس در بحث و اجازت پلک "حیر" محسوب شده است. مثلا احسان طبری در "پاد آوری" یک نقل قول از لنین می‌آورد که در سال ۱۹۲۲ در محاملاتش با

که از همان کنگره دوم حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه ترسکی در مسائل حزبی و سیاسی متعدد در مقابل لنین می‌ایستاد. احسان طبری انتظار دارد که در بین حزب انقلابی همه افراد مانند حزب خودش عمل کنند. اختلافات سیاسی و سازمانی خود را مطرح نکند، نقل قول بزند و مانند تمام حلقه بگین بورژوازی بی‌باید. احسان طبری با یک جمله از لنین نخواهد توانست چیزی را ثابت کند. چون اگر فردی در ارتقا لنین گفته که به راستی می‌تواند جنایات و مطالب متعدد دی پیدا کند که در نامه ترسکی است.

مثلا احسان طبری با آوردن نقل قولی از لنین از سازمانی قبل از انقلاب انگیز، بخیزاذه ثابت کند که بیسین لنین و ترسکی بیوسته در جود سگه دهفتان اختلاف نظر وجود داشته است. حالا اجازه بدیده به پیچ لنین پس از انقلاب انگیز در باره نظر خودش و ترسکی دوبره دهفتان چه می‌گوید؟

"روزنامه" اینوستیا حیرت آورنده (۱۹۱۹) نامی از یک دوستی به نام "گولوف" چاپ کرده است که در آن او در باره روش حکومت کارگران و کتاریان با نسبت به روستایان جهان حال سؤال می‌کند. و شایعاتی نقل می‌کند که لنین و ترسکی با یکدیگر نمی‌توانند کنار بیایند و بین آنان بر سر مسئله روستایان حال اختلافات جدیدی وجود دارد. رفیق ترسکی قضا به این در مقاله "نامه روستایان جهان حال" که در اینوستیا مورخ ۷ فوریه به چاپ رسیده جواب داده است. رفیق ترسکی در یادداشتی می‌گوید که شایعات اختلاف بین من و او بزرگترین و بیفرهاترین درونی است که با ندانسته آنان بخش می‌شود. من به لویه خود، گل‌مانده رفیق لنین و یک تأیید می‌کنم. من بر او اعتراضی وجود ندارد. و در رابطه با روستایان بیانه حال، هیچگونه اختلافی مابین من و ترسکی ویا با کلا در حزب کمونیست کسه هر دوی ما عنوان هستیم، وجود ندارد. (کلیات لنین به زبان انگلیسی، جلد ۳۴، چاپ مسکو ۱۹۶۶، صفحه ۱۵۰)

اگر خواننده بخیزاذه از طریق استالینستیها و احسان طبری بفهمد که - ناچار به سرچگی دچار خواهد شد - لنین در سال ۱۹۱۸ در تقیبه ترسکی اینوستیا نوشته است: احسان طبری از آن جهان بیزار است. و در سال ۱۹۱۹ این چنین می‌نویسد: او تأیید می‌کند، ولی هیچ یک از ایسراون نقل قول ها بخودی خود واقعیت را نشان نمی‌دهند. برای فهم این نقل قولها احتیاج به فهم لنین و مکرری برای بدین در بین حزب انقلابی و زمینه ای که ایسراون بحثها در دین آن صورت گرفت، می‌باشد. آنچه مسلم است این است که این بحث ها چه قبل از چه بعد از انقلاب در موارد بسیاری صورت گرفته است. نتیجه بحث احاد به های کارگری که بسیار احسان طبری از آن نقل قول می‌آورد. ولی احسان طبری که در کتب استالینسم سیاست را آموخته و قادر نیست اهمیت و موضوع این بحث های درونی حزب بلشویک را درک کند، تنها با آوردن نقل قولی از لنین اینطور وانمود می‌کند که لنین هم مانند استالین به گیش شخصیت متعقد بود و مخالفت با او گاهی ناخوشدونی حساب می‌شد.

ولی احسان طبری فقط به ذکر این چند جمله ازار زبده بحث کافی می‌کند. همانطور که در اول این مقاله به ده به طبق سخن استالینسم دست به تحریف واقع و تقیبه نیز می‌زند. او بطور مثال یک نقل قول از کتاب "لینسن و گریگ" داشته است. می‌گوید به یک دوستی برابن و پایدار، سال ۱۹۲۰، صفحه ۷۵ می‌آورد که در آن، لنین طی گفتگویی با گریگ می‌گوید: ترسکی با ما نیست، ولی ما با ترسکی از کتب و از لنین است که تحت استخاله استالینسم قسراسر گرفته است. اصل تحریف بود: این گفتگو بین لنین و گریگ در کتاب "لا پیسرتین" بقلم ماگیمس گریگ آمده است. در صفحه ۲۳ این کتاب که در سال ۱۹۲۲ در لنینگراد چاپ شد، می‌خوانیم:

"بده بد احوال هستند افرادی که در باره" روابط مابین من و او (ترسکی) دروغ می‌گویند. در بعضی از نامه های می‌گردد و ظاهراً در باره من و ترسکی زیاد دروغ گفته می‌شود. مشتتس را حکم بر روی میز کویده و گفت: "در کم می‌خواهد که رفیق دیگری را به من نشان بدهد که قادر باشد غلط در فرض یک مثال ارتشی تقیبه سگه سازمان دهد. و در عین حال استالین متعصبین تلقی را نیز بزرگردد. ما چنین شخصی را داریم ما همه بیسرتی داریم! و معجزات رخ می‌دهد!" در نسخه ای که احسان طبری از آن نقل می‌کند، این جمله به این شکل تغییر یافته اند: "بله، می‌دانم که شما بعد از رفیق دیگری را به من نشان بدهد من با او وجود دارم. ولی هر چه هست، هست در هر چه نیست، نیست. دست دادن را هم می‌دانم. منحوال افراد را بیسره که متعصبین تلقی را سازمان دهد!" پس از یک مدت، با حدی عالی بر نور و حساسدونی

با این وضعیت از ما نیست ، با ماست ، ولی از ما نیست ، البته پیروز است ، رگه ای از لامل ما در او هست که چیز همین نیست .
تمام بحث احسان طبری در باره ی رل تروتسکیس در انقلاب روسیه و پس از آن ، بر مبنای این نوع تعقیقات و عملیات بنا شده است .

انقلاب پیروز

یکی از مسائلی که لنین و تروتسکی را از نظر سیاسی قبل از انقلاب روسیه از یکدیگر جدا می کرد ، مسئله گسارکتسور انقلاب در آن کشور بود . این اختلاف نظر ، پس از انقلاب فوریه ۱۹۱۷ صلا ازین رفته چون لنین و تروتسکی هر دو به نتیجه منفکی بر سر این موضوع رسیدند ، تروتسکی از تسیل معتقد بود که برای حل وظایف دموکراتیک روسیه نظر مسئله (ارمی و مسئله ملی) حق تعیین سرنوشت ملت های مستعمر (دیده) ، طبقه کارگر روسیه با پشتی قدرت را در انحصار بورژوازیان در دست بگیرد و فقط این طبقه است که قادر به انجام چنین امری است . سلطان بر اینکه طبقه کارگر روسیه گسارکتسور را انجام دهد با پشتی منابع را ملی کند و در نتیجه انقلاب فقط به حل مسائل حل نشده دموکراتیک نمی تواند اکتفا کند و ثرویدا به انقلاب سوسیالیستی گذر خواهد کرد . همچنین انقلاب سوسیالیستی در سطح ملی صورت میگیرد و ملی برای تشکیل آن احتیاج به برانداختن سوسیالیسم داری در سطح جهانی است . این جنبه بین المللی انقلاب پیگیر است و این شرایط یعنی ضرورت ایجاب سوسیالیسم جهانی را تعیین می کند . لنین پس از بارگشت به روسیه نیز در "تجرای آریسل" علا همین بر پایه ی پیشنهاد کرد و دیگر اختلافات لیسن لنین و تروتسکی در این مورد فقط از نظر تاریخی اهمیت داشت و به همین دلیل بود که به محله فراموشی سپرده شد . ولی بعد ها که بویوکراسی علیه انقلابیون در شوروی دست به کار گارد ، دوره ای این اختلافات را علم کرد و بسیاری که گریه نشان در حرف خود میجویدند کل تاریخ انقلاب روسیه و در پس آنرا تعریف کند ، یکی از این موارد همین انقلاب پیروز بود .

احسان طبری هم به پیروی از رهبریتش این استالین ، همان عملیات و تحولات بویوکراسی را در مورد انقلاب پیگیر (به اسم "انقلاب دم") بیان میکند ، " ... (اول تروتسکی که هرگز تالیسم را درک نکرده بود با تعریف غیبه و مارکسیسم از ظهور "انقلاب دم" انقلاب اکثری را تنها به عنوان "نگان دهنده" انقلاب بولیونی در انبهای باختری توصیف می کرد . "انقلاب دم" در مارکسیسم در شرایط تاریخی مورد بحث بیان بود از میر از مارکسیسم سوسیالیسم دموکراتیک به سوی انقلاب سوسیالیستی و اجرا انقلابات سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی برای تحول بنیادی جامعه و نه به معنای تازیدن سطوحی انقلاب در تار و پودر او)

موتیمانه کتاب انقلاب پیگیر به قلم لنین تروتسکیس به زبان فارسی منتشر شده است و خواننده قادر می تواند با مطالعه آن به تحولات احسان طبری پیبرد . چسبون اختراعاتی نظیر "تاریخ انقلاب" و غیره فقط متعلق به احسان طبری است و شباهتی به نظری های تروتسکی ندارد . ولی مقصود احسان طبری از ذکر این نکته اینست که می خواهد ثابت کند که بلشویک ها معتقد نبودند انقلاب اکثر سراسری برای انقلاب سوسیالیستی در غرب است و تنها پیروی این انقلابات است که می تواند جیان قلا" دولست لاگاری در شوروی باشد . و بدین ترتیب طبری می خواهد ثابت کند که پس از گسارکتسور انقلاب روسیه به سایر کشورهای های سرمایه داری فقط ساخته و پرداخته تروتسکی بود و لنین با آن موافق نبود . برای اینکه لنین را هم از شر تعقیقات و "ظوری های" طبری خلاص کنیم به ذکر نقل قول زیر از او اکتفا می کنیم .

"با ذکر آنرا اینطور ، در تمام سخنان خود ، و در کلیه نظرات خود ، نگه کرده ام که موضعیت روسیه با کشورهای پیشرفته سرمایه داری یکسان نیست ، چون که کارگران کشورهای در روسیه یک اکثریت هستند و از اوان کوچک یک اکثریت مطلق . انقلاب سوسیالیستی در این کشور در نهایت فقط با دو شرط می تواند پیروز شود : اول به شرط اینکه انقلاب روسیه با یکد جا چند کشور پیشرفته تر به وسیله ی حمایت از این انقلاب بیاید دوم اینکه توافق بین بیوتانجا که در میان تروتسکی و پیروز ساخته و قدرت دولتی را در دست دارد و اکثریت جمعیت روستایی ایجاد شود .

"مردم این که فقط توافق با دهقانان ، تا هنگامی که انقلاب در کشورهای دیگر پیروز نشده است ، می تواند انقلاب سوسیالیستی روسیه را ایجاد دهد . " (کلیات لنین به زبان روسی - نسخه قدیمی ، جلد ۱۸ ، چاپ مسکو)

مبارزه لنین و تروتسکی علیه بویوکراسی

همانطور که قبلا گفته شد ، لنین در سال ۱۹۱۹ کشور

مبارزه از این قرار بود : لنین در اوایل سال ۱۹۱۹ ، در گنگره باره هم حزب کمونیست یعنی آرمین گنگره ای گسه توانست در آن شرکت کند ، اکثر سخنان خود را به مبارزه علیه بویوکراسی در سازمان های دولتی اختصاص داد . بطور مثال او گفت : " دولت در دست ماست ... اما به طریقی که ما میخواستیم این عمل شده است ... ما مائتد ما تئینی که در جهت خواست راننده اثر نصرت و در جهت کسی که شخصی دیگری میخواست حرکت می کرد ، مثل اهل مائتین را دست پیروز و بدین قانون می راند ، خدا می داند دست چه کسی ، شاید دست یک منقعت طلب و یک سرمایه دار و یا هر دو با با وجود این لنین هنوز به حزب بلشویک اعتقاد داشت و عقیده داشت که با تغییر نظام های اداری در سازمان های دولتی و جای دادن کمونیست های مسئول در آنها می توان بر این بویوکراسی طبع کرد .

اما در اوایل دسامبر سال ۱۹۱۹ انگلیان تغییر در این مورد ، در رفتار لنین به چشم می خورد . در ۱۹ دسامبر ۱۹۲۲ ، لنین به تروتسکی پیشنهاد نمود شدن برای دفاع از انحصار تجارت خارجی را می کند . این پیشنهاد پس از تصویب مقرراتی از طرف کمیته مرکزی در غرب لنین و تروتسکی در اوایل اکتبر ۱۹۲۲ صورت می گرفت . در این جلسه کمیته مرکزی تصمیم گرفت می شود که قوانین انحصار تجارت خارجی آزاد تر شود و حتی به بخش های خصوصی کوچک اجازه دست یابی به بازارهای دنیا داده شود . لنین این امری خطرناک می دانست و در نامه ای که به استالین در تاریخ ۱۴ اکتبر می نویسد می گوید : این تصمیم " انحصار تجارت خارجی را خرد خواهد کرد " و پیشنهاد می کند که " ... تصمیم گیری بر سر این مسئله برای دو ماه یعنی تا جلسه میس بعدی کمیته مرکزی به تأخیر نیفتد ... " (کلیات لنین ، جلد ۳۴ ، صفحه ۳۳۵) در این حال لنین مطلع می شود که تروتسکی هم نظرات مشابهی در این مورد دارد و او نامه ی زیر را به تروتسکی می نویسد :

" ... در بلنوی می خواهم برای انحصار مبارزه کنم . شما چگونه ؟

" بعد از خبر ، اگر بخواهی جواب بدهد بهتر است ."

لنین ۱۹ دسامبر ۱۹۲۲ کلیات لنین ، جلد ۳۵ ، صفحه ۶۰۱ تروتسکی در جوابی به لنین موافقت خود را برای این مبارزه اعلام کرد . وی گفت : " مرکزی پس از چند هفته قطعنامه تئینی را به عنوان آرا" لغو کرد . لنین سپس در نامه ای به تروتسکی نوشت :

" ... چنانکه دیده است ، به نظر می رسد که توتسکی داد تا مواضع بدین کلیه تئوری رها کرد و فقط با یک ناموس اشغال شود . من پیشنهاد می کنم که نباید استناد و پایبند حجت را ادامه داد . " (کلیات لنین ، جلد ۳۵ ، صفحه ۶۰۶)

در همان موقع لنین در آخرین ملاقاتش با تروتسکی پیشنهاد " اتحاد بر علیه بویوکراسی بطور اعم و در سطح سائری (به رهبری استالین) بطور اخص" را می کند . لنین تروتسکی ، زندگی من ، به زبان انگلیسی ، با تأیید پروس ، صفحه ۲۲۱)

مسئله ملی های مستعمره

دومین مسئله مهمی که پیش آمد و لنین مبارزه علیه بویوکراسی را بر سر آن ادامه داد ، مسئله ملت های مستعمره بود . اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی که مخصوصه ای از جمهوری های مختلف بر پایه قدرتش گزراها بود تا ۳۰ دسامبر ۱۹۱۹ تشکیل شده بود . تسیل از آن اتحادیه ای با قرار داد های دو جانبه ای بین جمهوری شوروی سوسیالیستی روسیه و پنج جمهوری دیگر صورت سود : اوکراین ، بایکوریسیه ، گرجستان ، آذربایجان و ارمنستان . در سال ۱۹۱۹ ، لنین بعنوان کمیتر ملت ها ، مسئول ریختن طرح برای های ای در این روابط بین این جمهوری ها شد . این طرح که به نام " طرح خودمختاری" مشهور است برای پیروز جمهوری های غیر روس به جمهوری شوروی روسیه به عنوان جمهوری های خود مختار منظور شده بود . و قسار بود که مرکز این جمهوری در مسکو باشد . این طرح از طرف بلشویک های گرجستان رد شد .

پس از این امر استالین خواست تا با مقاومت بلشویک های گرجستان را با گذراندن قطعنامه ای در حزب سرکوب کند . این امر باعث شد تا رهبران حزب بلشویک گرجستان از روی اعتراض استعفا دهند . این اختلافات به شدت رویه افزایش بود و کاره جامی رسید که از پیوستن بلشویک های گرجستان را با حمله استالین ، یکی از رهبران حزب بلشویک گرجستان را با حمله بدین مشروط کرد . این عمل تأثیر عمیقی بر روی لنین گذاشت و او دیگر به استالین و تروتسکی که مسئول تحقق در این

کلیه این نقل قولها به جز موافقی که مآخذی دیگر در تروتسکی از کلیات لنین در زبان انگلیسی ، جلد ۱۶۰ ، گفته شده است از www.hks-iran.com

این عدم اعتقاد به همین مشهود است

خولی میریان شخصی

"رضف عزیز تروتسکی"

"عزای جدی دارم که شما در واقع در مورد گرجستان را در کمیته مرکزی حزب به عید بگردید . این قضیه اکنون تحت "تعقیب" استالین و تروتسکی قرار دارد که من به بیطرفی آنها نسبتاً اعتقاد ندارم . درسته بویکس ، من خیلی اساسی را حق می گویم اگر شما توافق می کنید که این در واقع را بپذیرد . اگر به دلیلی می خواهید از ابتکار اجتناب کنید ، تمام این استاد را به من بازگردانید . من آنرا نشانم عدم توافق شما تلقی خواهد کرد ."

پسین دوره های وظایف لنین

۲۵ مارس ۱۹۲۲ (کلیات لنین ، جلد ۳۵ ، صفحه ۶۰۷)

لنین سپس نامه ای به رهبران حزب بلشویک گرجستان نوشت :

" به ب - ح - مدیوانی ، ف - ی - باخاراز و دیگران شخصی محبوبانه

روایت عزیز

من جبران شما را از صمیم قلب دنبال می کنم . من در مورد سی امی از پیوستن به زتن در دهان استالین و تروتسکی نسبت به این امر عصبانی هستم . من در حال تهیه چند یادداشت و سخنرانی برای شما می مانم ."

با احترام لنین

۲۵ مارس ۱۹۲۲ (کلیات لنین ، جلد ۳۵ ، صفحه ۶۰۸)

در همان دسامبر ۱۹۲۲ پیگیر برای لنین مسلم شده بود که بویوکراسی در بین حزب ناسازمانگن خود را بافته است و این بویوکراسی حتی برای ضایع نمودن خود و حزب فعالیت می کند و نه از روی ضایع انگیزت بوده های مردم ."

آرمین نامه های لنین

لنین خود را آماده می کرد تا در گنگره دوازدهمین حزب کمونیست که قرار بود در مارس ۱۹۲۲ برگزار شود و سپس به اوایل همانسال به تعقیب اتحاد علیه بویوکراسی مبارزه نماید . پسین دلیل این نامه ای به گنگره نوشت و به مسرو و همکارانش می نوشت که داد تا آن را از آن کارگر بخش کند . این نامه در تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۲۲ نوشته شده است و تا تاریخ ۲۶ دسامبر چند نسخه دیگر به آن اضافه شده است . در این نامه ها نکات زیر به چشم می خورد . (کلیات لنین ، جلد ۳۳ ، صفحات ۵۱۷-۵۱۹ ، ۲۰۳-۲۰۶)

۱- پیشنهاد برای افزایش اعضای کمیته مرکزی از ۵۰ نفر به ۱۰۰ نفر شرکت دادن کارگران در این کمیته مرکزی . این امر برای تقلیل نفوذ استالین و مبارزه با این کمیته که در نظر گرفته شده بود . فکر می کنم که چند دوچین کارگر عضو کمیته مرکزی بتوانند بهتر از هر کسی به مسئله موافقت ، پیبند و تجدید بنای دستگاه دولتی ما بپردازند ."

۲- خواری برکناری استالین . لنین این در این نامه مرتباً ذکر می کند .

"رضف استالین که دیر کل حزب شده ، قدرت نامشروعی در کف خود متمرکز کرده و من مطمئن نیستم که او عیبت بتواند از این قدرت با احتیاط کامل استفاده کند ."

و همچنین : " استالین بسیار بی ادب است و این نقیصه ، گرنجه در روابط بین ما کمونیست ها لایلا قابل تحمل است ، در شخص دیر کل حزب است . این دلیل من پیشنهاد می کنم که رفا در هر یک از اینها که در وظایف استالین از طریق برکنار کند و شخصی دیگری را که از جهات دیگر قطع اداری امتیازات بیشتری به من محفل تر واد ارتز ، با ادب مسرو نسبت به رفا ملاحظه کارز و کمتر از خود را می است ، به جای او بگذرانید ."

و بعد اضافه می کند که : " رضف تروتسکی ، از طرف دیگر ، همانطور که

مبارزه اش علیه کمیته مرکزی در مورد کمیتر مسروم بسیاری از مقامات ثابت کرده است ، فقط به خاطر توانستند فرجسته اتن منقعی نمی شود . او شاید شخصاً توانا تئین بود و در کمیته فعلی باشد ."

لنین به قول خودی " منی" برای انفجار در گنگره دوازدهم آماده کرده بود ولی سکتی بعدی به او فرصت نداد و او را تا هنگام برکنش و حرکت سالت کرد .

او در اوایل نامه ای دیگر به استالین نوشته که متن آن از این قرار است : (بقیه در صفحه ۱۴)

درباره ایران چه میگویند

حسین توی

آیا سیاست حکومت کابرت در قبال ایران آندریا در تمام کارهای خود که به سیاست متوجه است، نتوانست از خطوط یک متحد بسیار مهم جلوگیری کند؟ یا اینکه مطابق عیوس سردم ایران شده حتماً به پهلوی اقتدر ریسمندار و صمیم بود که واشنگتن هرگز نمیتوانست در برابر آن ایجاد کند؟

این سؤالی است که جمله آمریکائی بیوزیک در شماره مورخ ۲۶ ژانویه خود مطرح میکند. این سؤالی است که حتی قبل از بیوزیک تمام همپن مایه تهران و سقوط کابینه پختیاروزمان مژگنی که سرنگون شدن سلطنت در ایران اجتناب ناپذیر می نمود، در بین محافل مختلف هیئت کابینه امریکا مطرح شده بود. بدون شک سقوط رژیم پهلوی شاه، یکی از بزرگترین فزایشی است که امپریالیسم امریکا بعد از بیوزیک انقلاب پتنام در نیوانه کرده است. میلارد ما دلار اسلحه، مدورن، ده ها هزار مستشار آمریکائی و بیرون کلاهیم بین شهری و آمریکا در مورد رژیم شاه، ضد و ضد و عده عده اولی مد های با همگی میماند که جلوسری هرگز بعد شدای به رژیم چنین پیوستی را خواهد گرفت. از متعجبانه معلوم شد عصب این سخن های "گمانت" در مقابل انقلاب عظیم ایران تا مقاومت ندارد و نتیجه ۲۵ سال صاف تمام انقلاب پتنام از رژیم استبدادی ایران سرود که تشریح شد. بعدها هم در پیوسته اینکه "چه کسی بافت از دست رفتن ایران شد" در داخل مطبوعات ایران پاداری آمریکا شروع شد.

بیوزیک منتشر بیوزیک تا به در شماره ۲۵ ژانویه خود در همین تاریخ نوشت: "از همان موقعی که ناتوانی شاه برای برسر قدرت ماندن آشکار شد، در داخل حکومت کابرت آمریکائی پختیار که اگر واقعاً بجز ایران تا تأثیرات ناگوار برای ۱۵ تا ۲۰ ساله داشته باشد و سیاست حکومت کابرت خود به "از دست دادن ایران" خواهد شد.

عقربا بعنوان رئیس العظمی و مطابق این گونه سخنان، کابرت سعی کرد گناه از دست دادن "ایران" را بر عهده کابرتان نامطلوب سایرین جاسوسی می باندند: از او طفره دیگر خطبهات آمریکا گزارش دادند که بیوسکی، مشاور خصوصی کابرت و سائرس ونس نیز امر خارجه آمریکا بر سر او تاج ایران اختلاف نظر وجود دارد. حتی این گزارشات اختلاف بر سر این بود است که موضوع "شعری شوری" را تا چه اندازه مسئول از دست رفتن ایران" معرفی کنند.

ایران و نتیجه پتنام

ولی حتی از برای این گزارشات و بحث های می توان علت واقعی سقوط سلطنت و دلیل واقعی "نگزانی و تأسف" امپریالیسم آمریکا در مورد اوضاع ایران را درک کرد. امپریالیسم آمریکا "سوالها استعدا تکرره در شرایطی مثل ایران که سناه بعضی افغان مدافع سرمایه ایران آمریکائی و امپریالیستی آنها محرم است. با قوای نظامی مداخله کرده و هر نوع انقلاب و طغیان از طرف مردم کشورهاست استعمار شده به دست امپریالیسم آمریکا را به خاک و خون کشید. کابرتی ملی یک جاسوسی مطبوعاتی در ۱۷ ژانویه گفت: "ملا حسین مومنجو را پیش کشید گفت: "شاه، مشاوران او، طرفیت تمام نظامی او، پادشاه غیره هیچ که او نمیتواند کابلا از آشوب و شورش در ایران جلوگیری کند. البته ما نه آرزو و نه توانایی آنرا داریم که نیروهای روسی را برای مدتها به ایران بفرستیم... ما این را قبل از در وقتاً آریا بشکریم به ملی کار نگه..."

در حقیقت بحث واقعی حکمرانان آمریکایر در دوره قبل از قیام ۱۶-۲۶ بیمن سناه

اعراب ایران برای خواستهای خود بیامی خیزند

اعراب جنوب ایران که تحت سلطنت پهلوی قرار دارند سرگرم شده به طمس و فرسنگی عمارت داشته اند. اکنون در فلسطی نظاره بران و رامیهایی های متعدد در شهرهای خرمشهر، اهواز، آبادان، موشگره، شادگان، خرمی و غیره، خواهان برسرست خراب شدن حقوق خود شده اند.

بیوزیک انقلاب مورخ ۲۱ اکتفد با گزارش مرده ده که در اجتمائی از اعراب در مسجد امام های خرمشهر، درخواست های اجتماع کنندگان به شرح زیر اعلام شده است:

"برسرست ساختن زبان عربی بعنوان زبان اول برای موشخان عرب زبان ایران و آموزش آن در کلیه مراحل تحصیلی، آزادی بیان و نشر کتاب و بیوزیک زبان عربی، مشارکت در مجلس مؤسسان، تشکیل مجلس فرسی در

ترکمن ها برای حقوق خود مبارزه می کنند

با سرنگون شدن سلطنت پهلوی که یکی از ارکان اصلی سلطنت سرگرمی مدوم ملیتهای متعدد به در ایران بود. این ملت هسائی شده به اکنون برای بدست آوردن حقوق باقی مانده خود حرکت کرده اند. مبارزه خلق کرده که اکنون بعنوان پیشانی این ملت هسائی شده به عمل می کند. مبارزه مردم ترکمن تحت شرایط احتمالی سلطنت پهلوی حتی از استفاده از زبان مادری خود محروم بودند. اکنون با ننگ آزادی برآوردند.

زیربناها گزارش می دهند که مردم ترکمن در شهرها و نقاط مختلف دست به اعتراضات و تظاهرات و رامیهایی های متعدد زده و از درگاه بازرگان خواستند تا حقوق خود آنها برسرست نامشده. از اولین اقدام ترکمن هسائی تغییر نام در شاه به بندر ترکمن بوده است. با اینکه از گزارشات بیوزیکها می توان به صفت گذرناش این مبارزه پی برد ولی از قرائن کتب می بینیم که زده خیره هائی بین اقوام کهنه امام و مردم محل در بندر ترکمن درگرفتند.

بیوزیک اطلاعات در شماره ۱۲۰ اکتفد سناه خود میگوید که ترکمن های کبده کاسیوس در اعتراض به کشتاری که اخیراً در بندر ترکمن اتفاق افتاده، به دست یگفته دست به اعتصاب زده و "ادارات، فروشگاهها و مدارس را بستند و برای امروز دعوت به رامیهائی کردند. موضوع درگیری که می توان از میان گزارش بیوزیک دریافت داشت که برخلاف رای مردم ترکمن، کبده ها امام و دولت بازرگان سعی دارند نام بندر اسلام را بجای بندر ترکمن بکار برند. موضوعی که به مبارزه مردم ترکمن بسیاری خلاصی از شوخی گذشت. بعد وعصبانی انقلابی بسیاری می دهد. موضوع همانان قهر و بیوسن این منطقه است. اکنون در معام اجلاهی و اختطاریه از طرف وهبران مذ هسئی و دولت علیه دهقانان که زمین های زراعتی بزرگ و ماشین آلات کشاورزی آنها را تصرف کرده اند

جوزالی در ۱۴ فوریه چاپ شده است. سمنو امینی، یکی از مشاوران کریم منجایی وزیر امیر خارجه، به این روزنامه گفته که سناجاسی امیدوار است، "بوتاب خوب و دستهای" با واشنگتن داشته باشد. در همین مقاله آمده است که:

"او (سمنو امینی) گفته که سناجاسی احتمالاً ادامه روابط نظامی با ایالات متحده را تشویق خواهد کرد. امینی افزود: "سناجاسیها می شما را خرید و مایم و اکنون لازماست که از آنها به بهترین وجه نگهداری کنیم..."

"آقای امینی همچنین گفته که انگساری سناجاسی حکومت جد به را تشویق خواهد کرد که با بانک های فرسی مانند جیبی بانکها و جیبی بانک که هر دو از وام دهندگان سناه به ایران هستند. روابط جیبی داشته باشد. آقای امینی افزود: "توسعه اقتصادی و پیشگی با همکاری با بانک جیبی بانکها و بانکس

خبرستان برای تصویب قوانین محلی، تشکیل دادگاههای فرسی برای حل مشکلات بر اساس قوانین اسلامی، تولید و پخش برنامه های عربی در رادو و تلویزیون بطور مستقل، داشتن آلبوم و در اشتغال هست های بخش خصوصی و دولتی، آزادی اشاعه فرهنگ عربی ایرانی، تخصیص پوس های تحصیلی و نقدار کافی از وام های نفت برای آبادانی خبرستان، انتخاب نمایندگان عرب در مجلس شورایی و تعیین وزیر از بین عرب زبانان مشارکت در ارتش ملی و آموزش افسران عرب در دانشگاه های فرسی، نامیدن پرسن سراسری و ریستهای مناطق خبرستان، با مساجد قدیمی آن و قرار دادن کلیه این امور در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران"

صادر شده است - در اعتراضی که بعد از از "کشتاوران" شخص در دادگستری کبده کاسیوس نوشته اند و متن آن در تاریخ ۲۲ اکتفد در بیوزیکها آیدگان چاپ شده، اطلاعات بیشتری در مورد مبارزه دهقانان قهر و زمین ترکمن به دست می آید. بطوری که از متن این اعتراض معلوم می شود، اصفا کنندگان در حقیقت کشتاوران ترکمن نبوده، بلکه زمین داران بزرگی هستند که به تصرف زمین توسط دهقانان فلسطی اعتراض کرده اند. در زبان سلطنت پهلوی، لقب اول وسیع زمین از این بزرگ، سرپاداران "شرفا" شاه و بیوزیکها بوده است. تحت این عنوان که "کمانیزه" است، مشمول اصلاحات ارضی شده و در دست همین شتمزاران باقی ماند. اکنون دهقانان بی بدخات ترکمن حتی خود را با تصرف این زمین ها و ماشین آلات بدست می آورند. در همین نامه اعتراضی چاپ شده، زمین داران اعتراضی گفته که مناصر "میبین" و "شاه انقلابی" به تنهایی دست به تصرف این زمین ها زده بلکه کارگران کشاورزی این زمین ها را نیز "با خود تریک می باندند" البته در تمام طول این جریانها، رهبران مذهبی و دولت بازرگان دهقانان قهر را آماج حملات خود قرار داده اند.

در ضمن در شماره ۱۱ اکتفد روزنامه اطلاعات، خبری است مبنی بر تظاهرات ۱۵ هزار ترکمن در بندر ترکمن که طی قطعنامه ای خواست های خود را اعلام کرده اند. بر طبق این گزارش، خواسته های ترکمن ها چنین است:

"تدریس زبان ترکمنی در مدارس، تغییر نام ده ها به بندر ترکمن، ایجاد شورای اطلاعاتی، انتصاب روسای ادارات با نظر شورای انقلاب و خود مختاری برای ترکمنستان از جمله خواسته های آنان است. ترکمن ها همچنین خواسته های بسیاری در استان را تأیید کرده اند"

بانک ها خواهد داشت - برای مامهای متواتی، نیروهای مختلفی تحت امام خمینی، متحصه برای سرنگون کردن دولت پهلوی شاه انتخاب کرده اند. لکن اکنون دیگر در مورد تغییر نظام استبدادی و اجتنامی که باید برقرار شود چنین انتقادی نظری وجود ندارد. بیوزیک نیویورک تا پس از که که از مشکوگان میروید ایران آمریکائی است. این مطلب را از قبل پاک "ده پهلستان خارجی" در شماره ۱۶ ژانویه خود به روشن ترین شکل بیان کرده است. این روزنامه ضمن بررسی سناجاسی در حکومت جدید از قبل این ده پهلستان چنین می گوید:

"شوروی او (سناجاسی) حفظ ادامه سعادت بیوزیک ملی ایران و طغیان آنرا در مقابل نیروهای انقلابی است که در طی کشتال جنجال، انتصاب و مبارزه جوش پیوی بحث شده اند"

ولی تأسف واقعی امپریالیستهای آمریکائی تجربه جنگ پتنام است. بعد وضع انقلاب پتنام از یکطرف و برخواستن جنبش ضد جنگ بعد از طرف دیگر مدتهاست نظامی برای نجات رژیم هر داده و برای اولین بار سیاست قدرتمندی واشنگتن را به جای سیاه بنامند. از آن موقع به بعد نشانده کار چند ان آسانی نبود. تا علامت ضد جنگ مردم آمریکا و بعضی اعتراضات وسیع داخلی، دست و پای حاکمان آمریکا را برای مداخله جویئی های نظامی بماندست. تا اینکه بنظر می رسد شاه هنوز امکان باقی مانده بر سر قدرت را دارد. واشنگتن با تمام قوای متکه از او حمایت کرد. بیوسن سیاست معمولی امپریالیسم آمریکا است که از اعتراضات مردم رژیم ما، تا آنجا که انسان کوچکترین امیدی به حفظ قدرت خود ندارد، حمایت کند. روش آمریکا در شمال آسامسوا درنگایر نگارگوه، نمونه عادی این سیاست است.

ولی انقلاب ایران، با وجود سرکوت پیوسته که واشنگتن فرصت تعبیه سیاست دیگری در موشحایات می چون و چرا از شاه ایالت و تا آخرین در تالیق در قایل طوفان زده شاه ماند. حمایت کابرت از کابینه پختیار نیز نتایج بیوفتی برای امپریالیسم آمریکا داشتند. تفرمودم مردم ایران از کابرت و سیاست های طبقه حاکمه آمریکا که او نمایند آن است. بقدری است که این حمایت تفرمودم را از پشتیبان انزلی می داد. پس از بیوزیک بیمن ماه و سقوط پهلوی، واشنگتن سیاست محتاطانه تری را در قبال ایران پیش گرفتند است.

واشنگتن و حکومت بازرگان

واشنگتن که برای جلوگیری از سرنگون شدن سلطنت پهلوی و بیوزیک ایام بیمن ماه کاسلا زبون بود، سعی کرد به سرعت روابطی بسا حکومت بازرگان برقرار کند. امپریالیست های آمریکا، اکنون رژیم بازرگان را بعنوان تنسیا امید باقیمانده برای حفاظت از منافع خود در ایران تلقی می کنند.

کابرت در یک مصاحبه تلویزیونی که در ۱۴ فوریه، بیوزیک روز بعد از بیوزیک ایام در تهران برپا کرد، اظهار امیدواری کرد که: "امتنافاتی که طی این همه ماهها بین مردم ایران اتفاق افتاده است، می تواند به پایان برسد. بیمن تزبیه که با قیام هم در فلسطی این دوره عمل کرده ایم، اکنون نیز با گمانی که کنترل حکومت را در دست داریم در تنسیا بود و آماده همکاری با آنان هستیم."

ژانیه امیر خارجه آمریکا در ۱۴ فوریه اعلام کرد که حکومت جدید به برسرست داشته و بیام مشاوران سفر آمریکا در ایران کوشش می کند با بازرگان ملاقات کند. "تا و رساوه سیاست ها، برنامها و آینده حکومتس در تهران اتفاقنگو کند. البته هنوز هیچ تصمیمی العظمی از طرف حکومت بازرگان در قبال این روی خوش نشان دادن های واشنگتن، در مطبوعات آمریکا گزارش داده شده است. ولی مطابق با گزارش که در روزنامه والی استریت

روستایان در کلبه روستاها و مزارع و خواستار ریاست
نویسنده خواستار علم بود. روستایی فقیر و بی چیز
بود. علم کارگران کشاورزی، چوپان آوردن شواغل است
که این بود. علم بنیاد روستا و کشاورزی ایران را کشتار
کرد. در جامعه بود. در دوران استبداد، انگار کشور
همه محصولات را می بلعد و دهقانان و کارگران کشاورزی
را به خاک سیاه می کشاند. امروز جامعه باید روی بسوی
روستا برگردد. زمین برای دهقانان، برابرها ی خاک های
مائی دولتی، ارائه کشیک و تخصص ماشین آلات، آب لازم
و بارانهای برای روستایان. این است سیاهی جامعه نوین
انقلابی ایران.
زبان ایران امروز حقوق کامل و مساوی طلب می کند.
اینست مهم ترین نصیحت بنده یگان جامعه. قدم انقلاب
انگازان رهائی زبان را از مقام درجه دوم اجناس فراهم
آورد. است.
کردها، عرب ها، ترکمن ها، بلوچ ها و آذربایجانی ها.
همه می خواهند از منتری سلطنت پهلوی رها شوند. بجای
تقریب ۵۰ ساله و استغری خاندان سلطنت پهلوی، امروز در
گروه ستان مردم بنده ایه زمین قلعه آزادی را بسز

لنین و تروتسکی

باقی از صفحه ۱۰
- به رفق استالین
- زبونت به رفا کافه و زینوف
- رفاق استالین عزیز!
شما می آید و با منی برساند. این که هوس مرا به
بای تلقین خواسته اند و کلماتی بیخ به کار برده اند. گروه
اگرچه من گفته بود که حاضر است این امر را فراموش کند و ما
این حرفه این حقیقت توسط او به زینوف و کافه گفته شد.
من به هیچ وجه به این سادگی تمد فراموش کردن این اقدام
علم خود را ندادم و لازم است بگویم که آنچه که علم همسرم
صورت گرفته از نظر من نتیجه خود من هم بوده است. بنابراین
از شما می خواهم که در این باره دوباره فکر کنید که آیا حاضر
به پس گرفتن آنچه که گفته و ممدت خواهان می باشید و یا
ترجیح می دهید که روابط ما بین ما قطع شود.

با احترام
لنین
۵ مارس ۱۹۲۳
نامه لنین به کتوگه را کورسکیا در کتوگه و وزیر
پنشن نکر و هنگامیکه در کتوگه سیزده توسط کورسکیا تریخ
شد. بویوکاسی که دستگاره دولتی را در دست گرفته بود
از تریخ آن ملوگری بخل آورد و قطع در آن کتوگه بسزای
نیایدان خواند. شد ولی آنها حق برداشتن یادداشت
نداشتند. این نامه در سال ۱۹۲۶ بطور ناقص و از روی
خطا در شرکت کنندگانی که از آمریکا در این کتوگه شرکت کرده
بودند به چاپ رسید. ولی متن کامل آن تا سال ۱۹۵۶ اخذ
بود.

لنین مبارزات خود را علیه بویوکاسی در سازمان های
دولتی نیز شروع کرد. او خواستار تغییر بنیادی سازمان
رسیدگی کارگران و روستایان، که سازمانی به منظور کنترل
و جلوگیری از رشد بویوکاسی دولتی بود. شد. سازمان
سازمان با استالین بود. او پیشنهاد کرد که تعداد اعضای
این سازمان تقلیل یابد و افرادی که آگاه که علیه گرایشهای
بویوکراسی از خود بیایند تنگ داده اند. شروع به کار کنند.
همه آنها به این دلیل بود که بویوکراسی در داخل خود
این سازمان فکر کرده بود.

تروتسکی و لنین همبزمین چپ پس از مرگ لنین. ایمن
مبارزات راه در اصل بسیار پانچایی دولتی ارائه دادند.
احسان طبری در "یادآوری" اش، چند جمله زیبا را
که لنین در "نامه به کتوگه" نوشته است نقل می کند.
"رفیق تروتسکی، همانطور که بگویم مبارزه او فلسفه
کمته مرکزی در مورد کسب ارائی ملی نشان داد، خصوصیتی
تنها استعداد های برجسته اش نیست، او شخصاً شایسته
با استعداد ترین فرد کمته مرکزی فعلی باشد، ولی در ضمن
حال خوب نیستی. او نیز از حد و اندازه فرزند استبداد است
چنین صرفاً اداری کارها ایندیگی فوق العاده داریه
و سپس طبری نتیجه زیر را می گوید:
"پس از درگذشت لنین، تروتسکی به فعالیت خود، که
از جنبه سیاسی خطا و از جهت استاتسی تشخیصی و
تراکمیونی بود. افزود و همدارون که لنین نیم داشت. خط
احسان طبری چنین نتیجه را می دهد: منطعم دست بحرف
میزید. او گفته خود بسدی را باجای اگشاد بنشین که نتیجه
فارسیت لغت: Trotskyism: به کار می رود.

افرا بنیاد. همه ملت های بنده ایه برای تعیین سرنوشت
به داد خواهر برخواستند.
امروز خواست های نود. علم مردم، کارگر و زمینکش،
سربازان و جوانان، دارد سیاهی جامعه نوین انقلابی را
آنگار می کند. سلطنت امپریالیسم جهانی عقب افتادگی و
حفاظ وحشی را برای ایران بهار آورد. امروز نود. علم
بد نیال فتح دموکراسی و کوشش جوان پیشرفته است. لایحه
بویوکراسی انقلابی خواست های جنبش های اجتماعی
سند به یگان ایران است. بویوکراسی که کوشش که بنیاد
به همه این خواست ها پاسخ مثبت دهد. این خواستها را
برآورده کند. گسترش حقوق کارگران و زمینکش را تعیین
کند. این سرنی مسئله انقلاب حاضر را تشکیل می دهد.
مسئله تعیین نوع حکومت در این خلاصه می شود که چه
کسی در ایران حکومت خواهد کرد. گروه لیبلی تروتسکی
سربازدار و زمیندار با اقتیت علم کارگران و زمینکش شهر
روستا: معنی "جمهوری اسلامی" در این رابطه حد اقل
صمیم است. کارگران و زمینکش به کوشش نیاز دارند که
بر اساس سازمانهای مستقل خود آنها بنیان گذاشته شده و
حد اقل فعالیت های آنها، نسبت قدرت خود کارگران و
دهقانان می تواند چنین حکومتی را بویوکراسی و از اینسوی
پیشنها حزب کارگران سوسیالیست برای زین کوشش ایران.
جمهوری کارگران و دهقانان است. حزب کارگران سوسیالیست
معتقد است که تنها چنین جمهوری می تواند به کل مسائل

اشتباه را در حزب بویوکراسی، روش تروتسکی او را بسز
شده در حزب و رهبری مغرور کرد و مغرور بد آن شد که کتوگه
بازند هم حزب بلشویک (۱۹۲۷) تبلیغ تروتسکیسم را مخالف
فلسفه در حزب دانست.
معلوم نیست که احسان طبری یا نقل قول از "نامه به
کتوگه" لنین حتی با تحریف و ترجمه چگونه نتیجه بعدی
را در کتوگه کردن تروتسکی میگرد. ولی آنچه واضح است
اینست که یکی از سبب ترین شعبه بازی هایت که احسان
طبری هم زیاد در آن تروتسکی نشان می دهد: انتقال کار
در اینجاست که احسان طبری می خواهد با ازین نقل قول
از لنین به نقل قول که علیه بویوکراسی به رهبری استالین
نوشته شده ثابت کند که آنچه بویوکراسی پس از مرگ لنین
انجام داد، یعنی ازین بودن دموکراسی شوراها و گسترش
انقلابیون، صحیح بوده است. و این امکان بد نیز نیست چون
لنین خود می گوید که مبارزه بویوکراسی را شروع کرد.
تناقض بنویسه در جملات طبری هم از همین جا ناشی میشود.
آنچه مسلم است اینست که احسان طبری در مبارزه لنین
علیه بویوکراسی به طرفداری از استالین برمی خیزد و همسان
ترجیحات و دروغ های بویوکراسی را تکرار می کند.

برجسب و افرا بعنوان آئین حریه احسان طبری
یکی از حربه های که استالینست ها در بحث سیاسی
از آن استفاده می کنند، شبهه و افرا و ادانه منطقی آن
حجرات بدنی و حتی نسل و کشتار است. البته هنگامی که
توانای آنها دانسته باشند. رفتار استالینست های شوروی
با انقلابیون پیشین باشد این ادعا است. احسان طبری
هم با استفاده از همین روش آئینست که حال خود را برای
معدوش کردن ذهن خواننده بر می گرد. او می نویسد:
"تروتسکی از فعالیت غیره کمز علمه جنبش
کمونیستی باز نایستاد و اینک سران جهان تروتسکیسم
جهانی که با سازمان های جاسوسی فیهالیست پیوسته
یافته اند به این سیاست ... ادامه می دهند."

باز طبری می نویسد:
"در جریان خواندن کتاب نیز ادا بنیاد فراموش
کرد که تروتسکیسم یکی از اشکال آئینستی "چپ" است که
سازمان های جاسوسی امپریالیستی آنرا برای ایجاد شکاف
در نفوذ انقلابی ضد امپریالیستی نظریه و عقوت میکند."
این نوع اتهامات را بارها استالینست ها هرگاه که از
آوردن خط و بحث سیاسی عاجز شده اند تکرار کرده اند.
این یکی از کتبه نوین همین سازمان است که در جنبش کارگری
توسط آنان به کار گرفته می شود. این حربه ای بود که بعد از
شکست تمام کارگران روسیه در ژوئیه ۱۹۱۷ توسط سرولیه
دران و ملائین حکومت بنویسه حزب بلشویک و رهبران آن
لنین، تروتسکی و زینوف و ... کار گرفته شد و آنان را
جاسوس نیر اعلان خواندند. این حدیثت که با پیستی در
دوین جنبش کارگری و سوسیالیستی بنده طرد کرده.
ولی وقتی که احسان طبری سخن از پیوسته همس
تروتسکیست ها و امپریالیسم به میان می آورد، موضوع صحبت
به یک مزاج ناخوش نزدیک می شود. احسان طبری، حالا که
بیش از ۱۶ سال از کودتای شاه و سیا در ایران میگذرد و
صحبت از "مبارزه علیه امپریالیسم" می راند. ولی آئینست که
روز عمل بود. آئینست که میلیون ها نفر از بنده یگان ایسران
برای کزاه کرده دست سلطنت و امپریالیسم خارجی از ایران
جاغات می

جامعه که از نظر، عقب افتادگی، سیادت امپریالیسم و
استبداد پهلوی ناشی شده. خانه دهد.
حزب کارگران سوسیالیست بنیاد حقیقی کارگران
و زمینکش ایران را ارائه کرده است و گشت و ضمن ایمن
حقوق را برای تدوین قانون اساسی جدید پیشنهاد کرده
است.
حزب کارگران سوسیالیست می گوید: تا اکثریت مردم ایران
را ازین عقاید متقاعد سازد.
حزب کارگران سوسیالیست تشکیل فوری مجلس موسان،
تأمین آزادی و احزاب سیاسی و انتخابات آزاد برای مجلس
موسان را اساسی ترین وظیفه و در انقلاب حاضر می داند.
اگر چه حزب کارگران سوسیالیست نیروی سیاسی اقلیت است،
لیکن معتقد است که در شرایط آزادی و بحث و تبادل نظر،
شکست خلاق مردم کارگر و زمینکش در نتیجه جامعه کارگران
و دهقانان، بطور فوری حکومت خود، یعنی جمهوری
کارگران و دهقانان را انتخاب خواهد کرد.
حزب کارگران سوسیالیست به فرزند خود غیر دموکراتیک
فعلی اعتراض دارد. حزب کارگران سوسیالیست تشکیل فوری
مجلس موسان، استقرار واقعی حاکمیت مردم، ترسیب
شرکت جوانان بالای ۱۶ سال، سیارگان، با مواد بیسواد،
مرد و زن ایرانی را در انتخابات، آزادی کلبه احزاب
سیاسی را قدم فوری در پیشروی انقلاب حاضر می داند.
هیئت اجرایی حزب کارگران سوسیالیست
۱۶ آگست ۱۳۵۲

بله آئینها احسان طبری به عنوان یکی از رهبران حزب نود
اوتام کرد!
... باید دید که دولت ایران در فیسال ایسن
پیشنهادها (پیشنهاد اعلی امپار لغت به دول خارجی)
خواست چه روشی در پیش گیرد. بعضی از این عقیده
حاکمیت می کنند که به هیچگاه امپار داده نشود.
"نظریه دست" دیگر اینست که باید فقط یک طرف
داد ... نظریه دیگر من اقلی کردن استحصاح
است ... و بالاخره نظریه دسته ای که من شخصاً در آن
دسته قرار دادم اینست که دولت بویوکراسی برای امپار لغت
نمال به شوروی و لغت جنوب به کراسی های آمریکا و انگلیس
وارد مذاکره بشود ... همچنان ترتیب که با برای انگلستان
در ایران مانع واقعی باقیم و بر علیه آن حسی می کشیم تا گشت
از ما ست. باید معتقد باشیم که دولت شوروی هم از لحاظ
امپراتوری در ایران ضایع جدی دارد.
"باید در ایران دولت به تمام معنی دیکراسی بوجود
یابد که با دول بزرگ جهانی معنی انگلستان و آمریکا و
شوروی روابط صمیمانه خود را حفظ کند و محض و بالاخر از
همه اینکه این دولت عامل ادانه انقلاب این سه قدرت بزرگ
در محیط ایران باشد ... تا گشت از ما ست." مسئله
لغت، نوشته احسان طبری در نتیجه خود برای وینتورگین،
شماره ۱۴، نقل از کتاب گشت نشا فرزند است، صفحه
۲۰۱ و ۲۰۲

سابقه اعمال و فعالیت های استالینست های سبزی
نود و رهبران آن - بخصوص در دوران قبل از ۱۸ مرداد
۱۳۳۶ - بهترین حکم محکومیت آنان از نظر سیاسی است.
همچنین حقایق مربوط به انقلاب روسیه بهترین نشان دهنده
تألفات موجود در نوشته ها و تحریقات آنان می باشد. این
چیزی است که خواننده با مطالعه کتاب جان رید به راحتی
به آن خواهد بود.
خطوات امپریالیستی ...
(بقیه از صفحه ۱۱)
لنین سربازان بویوکراسی نیز به این نکته اعتراض
می کنند که این کار چندان آسان نخواهد بود. خبر ایسن
روزنامه "جیمز ماکگام" در گزارش ۱۵ ژانویه ۱۹۱۷
می نویسد: "روشن است که بازرگان و محدودی فرسی
رئیس استار ارتش جبهه دارند آنچه را که دستگاره های
ارتش قدرتمند می چاهد و درباره جمع وچور کند.
نخست وزیر و رئیس ستاد او که قبلاً با رفیق لنگر گار در
مقابل مردم مسلح تهران شاره بوده اند - به احتمال زیاد
می خواهند از هر موقعی که آید با دست چاه ها اختار روزنه
مقابله ای که می یابند آنچه را که از ارتش باقی مانده، خسرد
خبر کند.
شکست بزرگ امپریالیسم آمریکا در اثر سرنگ شدن
سلطنت پهلوی در ایران - بیچ وجه منزله مرتفع گشتن
خطر بداحلات آینده نظامی آمریکا در منطقه نیست. روزنامه
بویوکراسی می نویسد: "نوشته که منوط بحث بین وزیر
دفاع آمریکا و حکمرانان فرس مانع سعودی چنین بوده است
"نوعی آوردن یک نیروی فیزیکی سریع متشکل از جنرالان
و فلنگه اران در پیش آمریکا که بتواند در موقع ظهور کمونیست
میرستان سعودی و دیگر کشورهای لغت خیر منطقه صلح
یابد."

علیه مجازات ظالمانه و غیر انسانی

حسن صبا

نیت
این نکته به بیسی است. لکن توجه به آنست
فوق ذمّه از طرف کسانی عنوان می شود که
نیت لوی شریعت کمز به حفظ نظام قزاقان و
ذلت بار و خسته زای سرمایه داری پستند
نتیجتاً همان کسانی که دل بگران سرزینست
چون در پاکستان هستند، می خواهند
گرسنه ای که به جهت طشتش با لکسی
زده، با شدت عمل مجازات شود و در ملا
عام نژاد بخورد تا برای دیگران درس عبرتی
گیرد.
کارگران، زحمتکاران و آزاد بخساران
نی توانستند در برابر چنین ظلم و بیعدالتی
ساکت نشینند. خاطره شلاق زدن هسای
ناخن کشندها و دست و پا برون هسای
سازمان است هنوز در خاطره ها زنده است
گرچه این فجاج دور دور می رود بند انسان
سیاسی امری نیست. لکن امروز جسمه ان
انسانی مردی انقلابی اجازه نمیدهند که
چنین ظلمی و در حق هر یکس حتی زه ان
و جانیکاران اعمال گردد.
هده از اینکه مجازات ها، شکنجه
است. نه فقط شکنجه شکنجه کشیده بلکه
شکنجه افکار عمومی بطور کلی، برای ایجاد
تنبی و وحشت در سراسر جامعه
به جهت نیت که شلاق زدن ها، این صراحت
دوران بوده داری، برآوردیده داری که
به برده خود بعنوان سوان می کشیدند
بخود حق ناپاانه زدن او را می دادند امرو
از طریق درهم گویند در صیرت انسانی شکنجه
شده و در ملا عام، با بیان آمر می گویند
شان انسانی را در سراسر جامعه درهم
کنند در صفحه ۱۴

نحت لوی "عدل اسلامی" عرضه شود "لیه"
کنند و نیز دارد "لیه" که آن از فرانسوی
میرزا منوچه باران و "لیه" نیز آن همه جا
پسوی مللوان، کارگران و زحمتکاران جسمه
گیری شده است.
در این مقاله نه نعت و نه ترحم هست تا
توجه به مجازات های غیر انسانی نظیر
شلاق زدن و انگشت بردن و نثار آبیا عود
چند فرار بگیرد. این نکته که از طریق چنین
اعمالی دزدی و جنایت از جامعه رخت
پوشند، دوی بیانی بیش نیست.
جنایت و مجازات هر دو در آخرین تحلیل
نعتا در سازمان جامعه ریشه دارند. ایران
بود جنایت و اجرای هاله لاله مجازات تنها
نی تواند بر اساس تحول اساسی نظام
انقلابی و اجتماعی صورت بگیرد. تا زمانیکه
تخلی نظامی کنونی هست در دوی های گیلان
نیز در آن مجراهای قانونی و شرعی و غیر
آنها ادامه خواهد یافت. تا زمانیکه نفس
هست و کار نیست دزدی های کوچک بسیاری
بدست آوردن لقمه ای نان ادامه خواهد
دادند. تا زمانیکه انسان موجودی است
خود بیگانه، سیاره و دلیل در کلاب نسو -
های سبکین و غیر قابل کنترل سرمایه داری،
از گذشته است و از ایدئال میماند،
انقلاب در سطح وسیع جامعه در نجاتی
انتظار جامعه ادامه خواهد یافت، خشن ترین
اندریده است غیر انسانی ترین، صحن ترس
مجازات ها فار به ریشه کن کردن این
بلدی ها نیست بلکه است که بر زخم -
های عمل یافته می شود. عسود و جنایت
که زاید، خستید و جنایت های هر روزه نظام
سرمایه داری است با تهدید به خستید
بیشتر و مجازات های خشن تر از میان رفتی

بدست تلمیحاتی شلاق میخورند. زندگی در
بانوس جامعه نیز چون گذشته ادامه دارد
کوبه های جنس با نکه از، کفالت به جیبانی
خود ادامه می دهند. مطابق گزارش روزنامه
ها برای اینکه جباران آنها جنم شریف بخود
بگیرد سخن ازین میور که به واره میور،
توان کاربرد اطلاع کرد، استوار و جنایتا
سرمایه داری از کارگران کفالت ادامه دارد.
تاریخ دستخیز کارگران توسط سرمایه داران را
حجم سرمایه میخوانند. در مورد محال دیگر
نیز نوشته ان می دانند که امور شخصی خود
را چگونه خارج از معرین دیدن عنوان میسار
هستند و محاسن باید گنایان را بدون
آنکه کوبه کنی را سرانگیزد برنگزار کند.
بار دیگر بحث عنوان فریب نیست. مسأ
شاهد عدالت سرمایه داری هشتم - تسوری
چنان یافته شده که کوبه های عظیم انجسته
براحتی از آن میور می کنند. لکن ماهیسان
کوچک را از آن راه فراری نیست.
میزان خشن بود که در لقمه ما شاهد
شلاق خوردن صاحبان بانکها و سرمایه داران
دم کفتر در جاده بین شهر نخواهیم بود. این
بعد اثباتی و هکایت صیرت انسانی ظاهرا مزاران
مظلومین و ضعیفانی است که صد اشکاش
کسی نمیرسد. برای تیره ان و انسان
شخصی حتی در خارج از مرزهای ایران
نیز جای راهی است.
دیروز روزنامه ها نوشته که از طرف آید
الله شریعت انی از حاکمین پاکستان که پس
از انقلاب ایران جرات استوار کومست
انسانی افتاده اند. درخواست شده است از
اهم ای بوزر، نصاب بلوچهای پاکستان و نطنز
شود.
مشیر به لید سرمایه داری، حتی اگر

در روزنامه ها گزارش های چشم خورده
حاکم از اینکه در نقاط مختلف، سوسیزه در
شهرستانها، افرادی به حکم مراجع شرع و
حجم سزت های کوچک و یا "جسکاری" در
مادین شهر شلاق خورده اند. ۲۰ تا ۳۰
شلاق بجمع شویوزاری، ۵۰ ضربه
نژاد در ملا عام بخاطر باصطلاح آفتاب
مزدی - این رواج در محله انقلاب عظیم
مردم ما حوادثی سخت کوچک نظر می آید
لکن همین حوادث با نیز به حقایق بزرگی را
برآمده جامعه ما و انقلابمان بازگو می کنند
در قریبانی که جنج های سبکین انقلاب
رحمن و زمان را درهم می کوبد. زندگی روزمره
مللوان ها آدم با هزاران مسئله خرد و کلان
عود کارگان ادامه می آید.
از نظر شخصی که در اثر فقر و فلاکت
باپان ناپدید می کنای اصلاح، برای مسر
کردن شک خود و خانواده اش مستعد به
دزدی و راه است. زندگی امروز هم روال
عامداری را میساید. و آن دیگسوی سبزی
مستطوره، مثل علین ها نظر از ترسایان
متابع سرمایه داری و در سرمایه جبهه
سیاره ای است که چون از ترک و تحمل نبود،
هانی که سرزیند امروز و فردایی را در چاه
آبیا نور بوده اند عاجز مانده است بوی به
اعیان آبروه تا اگر تاد در رفع مشاک خود
نیست دستک بگشاید انگل و مسواد خستد
مراودشان کند و بخوی خود را تنگین
بخند.
تصور واقع در ناک هست اما دستور
نیت. دو انسان این دست که بیش از آنکه
جانی در حق جامعه گریه بکنند، خود
حکوم و نژاد نظام دور و امروند. دست
سته، در میدانن در انتظار بزرگ و کوچک

برون لخمی

برای سندیکای سراسری کارگران ایران

امروز همه جا در بین کارگران صحبت از
ساختن سندیکا است. در بسیاری از کارخانه
ها قدمهای اولیه برای تشکیل سندیکای
واقعی کارگران برداشته شده است و در
کارخانه ها کارگران در عدد انجام چنین
کاری هستند.
هر کارمیز و کارگاهی می داند که
اولین قدم در راه واقعی از پیمان طلب و
و دست تشکیل سندیکا است. کارگر توستا
و مطالب مدعیت ضمیمه و زمین است. شا
وقتی کارگر هیچ نوع سازمان و تشکیلات
باشد سرمایه دار خود را مجبور به رعایت
هیچیک از حقوق او نمی بیند. سرمایه دار
که به صاحب کارخانه شده، در کفالت
اطلاق امتنان کارخانه است. همه چیزه میل
و به دستور او انجام می شود. کارگر
مجبور است تحت فریب انسانی تیر شراست
کار کند و هم بر نوازند. بدون سندیکا کارگر
هم در تمام که بکنه طوع بر فور با شسته
مجبور است تمام رزم زیانها، اما توستا
احتمالات کارگری را تحمل کند. چرا که هیچ
وسيله دانی از حقوق و حیثیت انسانی خود
ندارد. کارگر بدون سندیکا به زوی خواری
پاک بوده است.
اما سندیکا آثار استقلال، آثار تشکیل
کارگر است. سندیکا دست تنهایی کارگران
را به هم پیوند میدهد و قدرت عظیمی
می آید. قدرتی که در صورت مجبور به خم
شدن در مقابل است.
سندیکا وسیله ای است که کارگر می تواند
از شخصیت خود در مقابل کارفرما دفاع کند
سندیکا وسیله ایست که کارگر میتواند به شرایط

غیر انسانی کار در کارخانهها پایان دهد.
سندیکا وسیله ایست که کارگر می تواند از حقوق
دیوگرات خود در کف کارخانهها و خارج
از کارخانه ها دفاع کند. سندیکا وسیله
ایست که کارگر می تواند حقوق و مزایای
بیشتری از چنگال سرمایه داران زانو حست
و پول برست بپوشد.
سندیکا یعنی یک خانه راحت برای
کارگر و خانواده اش. سندیکا یعنی فسق
لباس کافی برای زن و بچه کارگر. سندیکا
یعنی دکترو داری کافی برای کارگر و
خانواده اش. سندیکا یعنی چند هفته
مرخصی سالانه، پس از ماهها کار متده بار
برای کارگر. سندیکا یعنی یک بازنگری
آپو شده و راحت برای کارگری که پسک صبر
زحمت کشیده است. سندیکا یعنی اینکه
فرزندان کارگر بتوانند به تحصیلات خود تن
جانی که می خواهند ادامه دهند، تا دستم
فرزندان آن کارگر زندگی بهتری داشته باشند.
به جنس اینکه سندیکای توی کارخانه
ایجاد شود. قدرتی بطلب بدعیت سرمایه دار
دار تبدیل می شود. کارفرما دیگر نمیتواند
به دشواری خود، هر که را می خواهد استخدام
و اخراج کند. سندیکا یعنی اینکه کارگر
مجبور نباشد برای لقمه نانی جان خود را به
خطر بانداند. هر کسند کارخانه که ناامن
است و احتمال خطر جانی برای کارگردار،
نورا تا تهیه مسائل ایمنی کافی از طرف
سندیکا یا کارگران تحمل می شود. سندیکا
یعنی اینکه اگر خدای ناکرده کارگر در سراز
نقش خود پیدا کرد. سرمایه دار مجبور
باشد تا آنگه هر وسیله را بکار

غیر انسانی کار در کارخانهها پایان دهد.
سندیکا وسیله ایست که کارگر می تواند از حقوق
دیوگرات خود در کف کارخانهها و خارج
از کارخانه ها دفاع کند. سندیکا وسیله
ایست که کارگر می تواند حقوق و مزایای
بیشتری از چنگال سرمایه داران زانو حست
و پول برست بپوشد.
سندیکا یعنی یک خانه راحت برای
کارگر و خانواده اش. سندیکا یعنی فسق
لباس کافی برای زن و بچه کارگر. سندیکا
یعنی دکترو داری کافی برای کارگر و
خانواده اش. سندیکا یعنی چند هفته
مرخصی سالانه، پس از ماهها کار متده بار
برای کارگر. سندیکا یعنی یک بازنگری
آپو شده و راحت برای کارگری که پسک صبر
زحمت کشیده است. سندیکا یعنی اینکه
فرزندان کارگر بتوانند به تحصیلات خود تن
جانی که می خواهند ادامه دهند، تا دستم
فرزندان آن کارگر زندگی بهتری داشته باشند.
به جنس اینکه سندیکای توی کارخانه
ایجاد شود. قدرتی بطلب بدعیت سرمایه دار
دار تبدیل می شود. کارفرما دیگر نمیتواند
به دشواری خود، هر که را می خواهد استخدام
و اخراج کند. سندیکا یعنی اینکه کارگر
مجبور نباشد برای لقمه نانی جان خود را به
خطر بانداند. هر کسند کارخانه که ناامن
است و احتمال خطر جانی برای کارگردار،
نورا تا تهیه مسائل ایمنی کافی از طرف
سندیکا یا کارگران تحمل می شود. سندیکا
یعنی اینکه اگر خدای ناکرده کارگر در سراز
نقش خود پیدا کرد. سرمایه دار مجبور
باشد تا آنگه هر وسیله را بکار

نقشه در صفحه ۱۴

چه باید کرد

ضمیمه کارگرد ۱ فروردین ۱۳۵۸

سجیر: آند طبری

دربارهٔ دموکراسی کارگری

ارنست مندل



مقالهٔ زیر نوشته ارنست مندل، اقتصاددان مارکسیست بلژیکی و یکی از رهبران بین‌الملل چهارم است. او در این مقاله به تشریح مباحث مارکسیست‌های انقلابی دربارۀ دموکراسی کارگری و بررسی علل و ریشه‌های مخالفت با آن می‌پردازد. این مقاله در رابطه با حادثه‌ای که در نوامبر ۱۹۶۸ در دانشگاه آزاد بوکسل اتفاق افتاد نوشته شده است. در آن موقع، راجع به آزادی یکی از رهبران حزب کمونیست فرانسه برای ایجاد سخنرانی سه دانشگاه آزاد بوکسل آهسته بود. در جلسه سخنرانی یادگروه مارکسیست و یادگروه دیگر کارگری در صحنه، تخریب چشمه برآمدند. با داد و فحش و آتش‌باز سخنرانی کارگری جلوگیری کردند و مانع او را به بیرون از صحنه سخنرانی بیرون کردند.

تعلیقات شخصی گروه‌های دانشمندان که تحت عنوان طوفان‌های آزادی در پی می‌آید، به عنوان «اتحادیهٔ کمونیست‌های ایران» و «سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر» از برگزاری جلسات سخنرانی احزاب کارگری و سوسیالیستی جلوگیری می‌کنند. حضوریت میسازد و ستروای دموکراسی کارگری در جنبش کمونی ایران را روشن می‌سازد. از آنجا که این مقاله را که رابطه مستقیمی با بحث نسوی دارد نیز چاپ می‌کنیم، مندل این مقاله را در شماره‌های ۱۶ و ۲۲ نوامبر ۱۹۶۸ در نشریهٔ سوسیالیستی لاگوش (جیب) چاپ بلژیک منتشر کرد و ما با اندکی تلخیص آن در زیر ترجمه کرده ایم.



مادهٔ «تأسیس آوری که هنگام سخنرانی «کارگری» در دانشگاه آزاد بوکسل اتفاق افتاد، مگر بر آن داشت که پیکار یکی به ترویج این مطلب بپردازد که چیزی ما به اصول دموکراسی کارگری باید هستیم.

بوکسالیان می‌دانند که این راه‌های اصلی جنبش بوکسالیان است. بدینسان همراه از این اصل هم در زمان مارکس و انگلس، و هم در زمان لینن و وستکی یکی از جنبش‌های جنبش سوسیالیستی و کمونیستی بود. در یک تئوری استالیانیست در اتحاد شوروی بود که این حد را که بسیار کم بود، پیروزی تأسیس در اروپای غربی و مرکزی، همه به خود به تصدیق این سنت کمک نمود. بعد از آن، ریشه‌های مخالفت با دموکراسی کارگری، صلب تر و قدیمی‌تر از اینهاست. این ریشه از پیوستگی شدن میان‌های بزرگ کارگری است.

دموکراتیای سوسیال دموکرات و پیوستگی اتحادیه‌های کارگری، اولین کسانی بودند که اصول دموکراسی کارگری را زیر پا گذاشتند. یکی از کارهای اولیه آنان این بود که جلسات عمومی اتحادیه را در فواصل طولانی برگزار می‌کردند. سپس دست به تقلب در جلسات رای‌گیری زدند و حتی از تشکیل چنین جلساتی خودداری کردند. آنان همچنین آزادی بحث و انتقاد را در داخل سازمان‌های خودشان محدود نمودند و با یکی از آن جلوگیری کردند. در مبارزه علیه اقتت‌های انقلابی در بین این سازمان‌ها، آنان از تئوری و فلسفهٔ جنبش سوسیالیستی (درنگ کردند) در زبان‌های جهانی اول، سوسیال دموکراسی آلمان، مثال خودگذاشتن از همکاری با نیروهای سرکوب‌کننده در وقت خود به یادگار گذاشتند. با بدیناها بعد، سوسیال دموکرات‌ها همه جدا این کار را سرافراز خود قرار دادند.

دموکراسی شوروی و بدیناها آن احزاب کمونیست استالیانیستی (و اتحادیه‌های کارگری که تحت رهبری استالیانیست‌ها بودند) به سادگی این شیوه را که سوسیال دموکراسی پایه گذار بود، دنبال کردند و آنرا بیشتر و بیشتر وسعت دادند. آنان آزادی را بحث و وجود همه‌ی مخالفان را حذف نمودند. بحث و مناظره بین روشنفکرهای مخالف، جای خود را به نیت و دیوار داد. آنان بسیاری از جوانانی از «ایجاد» در پیش طرف مخالفان خود، به این طریق بود که در طی ارضال خودت‌آمیز روی آورده و به این روش بود که در پی سالی‌های سیاه تصفیه بزرگ ۱۹۲۸-۱۹۲۵) تمام رهبران قدیمی حزب بلشویک که انقلاب اکثریت

را به پیروزی رسانده بودند، و اکثریت اعضای کمیته مرکزی زمان لینن، به دست استالین نابود شدند.

نسل جوانی از ماریون خود استالیانیست و ضد سرمایه داری، که اکنون به آگاهی انقلابی دست می‌یابد، به خصوص خود بخود به سنن دموکراسی کارگری روی می‌آورد. این نوع تأکید در طی ماهیاری به روشن (۱۹۶۸) فرانسه بیان صورت تجلی شد که در گرد هم آیی‌های دانشجویان کارگران انقلابی، از حق بیان آزاد کلیه بودند. به شدت محافظت می‌شد. با وجود این، نسل جدید همیشه از کلیه تلاشی اصولی و عملی که وجود دموکراسی کارگری را شیرین می‌سازد، آگاه نیست.

به این خاطر ممکن است سازمان از آن خواهری‌های استالیانیستی که اکنون توسط برخی از گروه‌های طرفدار از چین ایران می‌شود و می‌خواهد به مردم بیخاند که دموکراسی کارگری با «تلفات انقلاب» در تضاد است. چنین نیاختند. بنا بر این لازم است که پیکار دیگر از تلاقی بطور محکم بیان شود.

جنبش کارگری برای آزادی و پوشتا با جدال می‌کند. یکی کسب این آزادی را می‌برد که کلیه اشکال استالینیستی کارگران را در بر می‌گیرد. از میان برداشته شود. نفی دموکراسی کارگری، به سادگی به معنای نیست‌گذاشتن شمس، علاقتند به حفظ شرایط موجود باشد. شرایطی که به تیره‌های کارگر اجازه نمی‌دهد تا عقاید خود را آزادانه ابراز دارند.

انتقاد مارکسیستی از دموکراسی بورژوازی، بر این عقیده استوار است که این دموکراسی تنها یک تئوری است. زیرا کارگران از آن وسایل مادی برخوردار نیستند تا بتوانند از آن حقوقی که قوانین بورژوازی بطور فزاینده برای همهٔ مردم قائل شده است، بهره‌مند شوند. مومکلی تنها سرمایه‌داران و همان آنان قادر به صرف میلیون‌ها دلار در جهت سرمایه‌انداختن به نفعی بران هستند. آنوقت آزادی و مطیبات چیزی بیش از یک فزاینده نیست.

نتیجه‌ای که از انتقاد از دموکراسی بورژوازی حاصل می‌شود، به روشنی اینست که باید وسایلی فراهم کرد که کلیه کارگران برای پیش‌طایه‌شان قادر به استفاده از وسایلی ارتباط جمعی از قلمی با همان‌ها باشد. محل‌های تجمع، رادیو، تلویزیون، پوستر و غیره، پوشتا، ولی اگر پولی، آنست نتیجه گرفته شود که تنها گروهی که خود را «حزب رهبری بورژوازی» می‌داند، و با حتی گروهی کوچک که ادعا می‌کند «انقلابی واقعی است»، حق آزادی بیان، استفاده از مطیبات و پیش‌طایه خود را دارد. آنوقت این خطر بوجود می‌آید که بجای این رفیع‌ترین سیاسی از کارگران، این قسم شده می‌گردند.

استالیانیست‌ها اغلب در جواب می‌گویند که برچیده شدن سیستم سرمایه داری، مساوی است با آزادی کارگران. بسا نیز اینرا قبول داریم که تفویض‌الکلیت خصوصاً در وسایل تولید، لغو اقتصاد خودجوش، و برچیده شدن دولت سرمایه داری، شرایط اساسی را برای آزادی کارگران تشکیل می‌دهد. ولی گفتن اینکه اینها شرایط «کافی است»، بدین معنا نیست که این شرایط، «کافی» هم هست. چیزی به همان روی که سیستم سرمایه داری برچیده می‌شود، این سؤال پیش خواهد آمد که چه کسی کنترل کارخانه‌ها، اقتصاد،

خدمات شهری، دولت، مدارس و دانشگاه‌ها را بر دست خواهد گرفت.

اگر چیزی ادعا کند که به تنهایی کنترل دولت و اجتماع را دارد، و اگر این حزب انحصار خود را بر قدرت به زور نسوزد، حفظ کند، اگر اجازه ندهد که توده‌های کارگر طبقاتی، انقلابات، ناراحتی‌ها و درخواست‌های خود را بیان کنند، اگر اجازه ندهد کارگران در اداره امور حالت نرویزند، آنوقت کم‌کم بین این بوروکراسی قدر قدرت توده‌های کارگر، شکاف خلق پاینده ای ایجاد می‌شود.

آنوقت آزادی کارگران تنها به یک فریب کاری می‌سندل می‌شود. و به بدین یاد دموکراسی کارگری واقعی در تمام کشور زندگی، منحصلاً آزادی اجتماعات و مطیبات، آزادی واقعی کارگران امکان پذیر نیست.

این تلاقی اصولی برای ضرورت وجود دموکراسی کارگری، با تلاش علمی دیگری شده می‌شود. طبقه کارگر، با استفاده از نظام طبقات اجتماعی در تاریخ، یک طبقه همگن نیست درست است که این طبقه طبقاتی مشترکی دارد که هم جنبه‌ای دارند و هم جنبه تاریخی، ولی این منافع مشترک با اختلافاتی نیز بین خود، که دارای ریشه‌های متفاوت است. منافع این خصوصاً از قلمی منافع حرفه‌ای، منافع گروهی، منافع مکانی، منافع تئوری و فیزیکی، و همچنین تفاوت‌هایی که از سطوح آگاهی متفاوت نتیجه می‌شود. بسیاری از انتشار طبقه کارگر هنوز از منافع تاریخی خود آگاه نشده‌اند. دعای دیگر تحت نفوذ ایده‌آل‌های سوسیالیستی بورژوازی و یا خرده بورژوازی قرار گرفته‌اند. و باز دعای دیگر در زیر مارکسیست شکست‌ها و ناکامی‌های گذشته، بی‌تفاوتی و یا حتی که اجتماع سرمایه داری به بار آورده است، نشان می‌دهد.

اما تا موقعیکه تمام طبقه کارگر در عمل طبقه می‌تواند سرمایه داری بیخ نهد است. برانده‌اش این امکان پذیر نیست. و این اتحاد در عمل، تنها می‌تواند به خود شکل واقعیته بگیرد که منافع و خصوصاً منافع مختلف آگاهی اجازه بیان مایند و کم‌کم که منافع و مناظره و تئوری، خلقی گردند. انکار این تفاوت‌ها، تنها منجر به از هم پاشیدن اتحاد علی شده و گروه‌های کارگران را به بی‌تفاوتی دچار کرده و با انبیا به از راه‌گذاشتن می‌راند.

هر کسی که تجربه‌ای در اینصابت داشته باشد، در عمل دیده‌است که موفق‌ترین اقدامات، تنها از طریق بسی کردن اجتماعات متعدد از کارگران منوط اتحادیه و بعداً با درگیر شدن کلیه کارگران ذینفع، ممکن می‌شود. در این اجتماعات، تمام دلایل بر علیه انصابت پوشش می‌شود. تمام عقاید بیان شده و تمام جدال‌های ذهن طبقاتی انفسا می‌شود. اگر انصابت، بدون تئوری‌های اینها نیست دموکراسی، بی‌خود است. امکان زیادی وجود دارد که بسیاری از کارگران با شدت و تیرد از آن حمایت کنند و یا حتی از شرکت در انصابت خودداری بکنند.

اگر چنین چیزی در مورد یک انصابت تنها صادق باشد، آنوقت محتمل است در مورد یک انصابت عمومی و یا یک انقلاب در چندین است. تمام بیخ‌های طبقه انقلابی کارگران، از انقلاب روسیه گرفته تا جنبش انقلابی ماه مه و روشن شدن ۱۹۶۸ فرانسه و از انقلاب آلمان گرفته تا انقلاب اسپانیا - و اینها فقط چند نمونه هستند - مشخصاً که در تمام اینها وجود داشته و داشتند. ظهور ناگهانی واقعی دموکراسی کارگری بود. در این موارد ذکر شده، بسیاری از پیوندهای طبقه کارگر در پیوسته می‌گردند و خود را آزادانه در سخنرانی‌ها، مطیبات و مناظره در پیش‌جمله کلی طبقه کارگر، تجلی می‌دهند. خود گفته «سویت» - که به معنای شورای کارگران کارگران است - در این اتحاد مخالفین - یعنی اتحاد کارگران عظیم تمام پیوندهای مقاومتشان را بیان می‌کند. در دوینش کنگره شوراها روسیه، کنگره‌ای که در انقلاب اکثریت در دستخیز کرد، میلی از یک دوین پیوند و حزب مطالبه و پیوسته داشت. هر کوششی که تا کنون برای عقب‌گردن این دموکراسی کارگری به فعل آمده - و منحصلاً توسط سوسیالیست دموکراسی در آلمان و استالیانیست در اسپانیا - اگر با معنی عقب نشینی و یا شکست انقلاب بشود، حداقل پیش‌راندنی بر آن بوده است.

پیام در صفحه ۵